

# تأملی بر دادرسی کیفری افتراقی جرایم اطفال و نوجوانان از حیث تشریفات رسیدگی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

سید احمد عسگری ارجنکی<sup>۱</sup>

## چکیده

روند رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان به دلیل شرایط خاص آنان مستلزم وجود نظام دادرسی ویژه‌ای است که با بهره‌گیری از نهادها و آیین دادرسی ویژه، خاص بودن بزهکاری آنان را مورد توجه قرار داده است. نظام دادرسی کودکان و نوجوانان باید از یک سو قادر به اصلاح آنان و از سوی دیگر بتواند حقوق بنیادین آنها را در سراسر روند رسیدگی تضمین نماید. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ با توجه به فقدان حکم خاص در برخی موارد امکان اعمال مقررات عمومی نسبت به اطفال وجود دارد. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار تشریفات ویژه‌ای را برای تحقیقات مقدماتی، محاکمه و نحوه اجرای تصمیمات قضایی مربوط به کودکان و نوجوانان تعریف کرده است. قانون جدید، نوعی دادرسی افتراقی برای اطفال بزهکار و اشخاص کمتر از ۱۵ سال و کودکان بالغ کمتر از ۱۸ سال تدارک دیده است که جنبه انعطاف‌پذیر و سریع دارد و به گونه‌ای است که قاضی بر اساس آنها بیشتر به دنبال بازپروری و تربیت طفل است تا مجازات آن، به علاوه در مورد جرایم افراد زیر ۱۵ سال، وظایف تحقیق و دادرسی را یک قاضی انجام می‌دهد و نهاد خانواده و والدین در کلیه مراحل فرآیند کیفری حضور داشته و با نظام عدالت کیفری همکاری می‌کنند. به موجب این مواد رسیدگی مقدماتی از جمله تعقیب و تحقیق توسط دادرسی یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می‌گیرد و دادگاه کلیه وظایفی که برابر قانون به عهده ضابطان دادگستری است را رسماً انجام می‌دهد. بنابراین مشاهده می‌شود که دادرسی اطفال به سمت نوعی حمایت از کودکان و نوجوانان پیش می‌رود که نمود آن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ و سایر قوانین و لوایح تقدیمی به مجلس ظاهر شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تشریفات رسیدگی، نوجوان، دادرسی افتراقی، صلاحیت محاکم، جرایم اطفال، قاضی دادگاه، طفل.

---

۱- دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی - مدرس دانشگاه و سرپرست واحد پژوهشی معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی  
دادگستری کل استان اصفهان  
ahmadasgari92@gmail.com

## مقدمه

هدف آیین دادرسی کیفری، وضع اصول و قواعد رسیدگی عادلانه انسانی، پیشگیری از وقوع اشتباه در تشخیص جرم و مرتکب و بالاخره تحقق عدالت کیفری است. حقوق جزا یا حقوق کیفری، به طور کلی رشته‌ای از حقوق است که از یک سو، جرائم "موارد نقض ارزش‌های اساسی جامعه" و واکنش کیفری "مجازات‌ها و اقدامات تأمینی" متناسب با این جرائم را تعریف و تبیین می‌کند و از سوی دیگر چگونگی فرآیند رسیدگی کیفری و اعمال نتیجه آن "قرار، حکم یا تصمیم قضایی" را پیش‌بینی می‌نماید. "حقوق کیفری صغار" یا "سیستم عدالت اطفال"<sup>۱</sup> که معیار شاخص آن صغر سن "کودکی - نوجوانی" است و عمدتاً حاصل مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی بالینی می‌باشد، می‌توان با ویژگی‌هایی که دارد از جمله رشته‌های تخصصی حقوق جزا تلقی نمود. (عباچی، ۱۳۸۰: ۹)

جرائم اطفال، نسبت به انواع جرائمی که در میان بزرگسالان متداول است، پدیده‌ای است نسبتاً جدید که در دنیای صنعتی از اوایل قرن نوزدهم مورد شناسایی قرار گرفته و از اوایل قرن بیستم به تدریج در کشورهای مختلف برای آن قواعد و مقرراتی وضع شده و دادگاه‌های خاصی برای رسیدگی به این گونه جرائم تأسیس شده است. بنابراین رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان بزهکار مستلزم وجود یک دادرسی ویژه برای آنان است. تنها در صورت وجود چنین دادرسی است که خاص بودن بزهکاری اطفال و نوجوانان مورد توجه قرار می‌گیرد. خصوصیت این بزهکاری در آن است که با عناصر مربوط به شخصیت و دوران گذر آنان از مرحله کودکی به نوجوانی و جوانی است. لذا از یک طرف، درک صحیح بزهکاری اطفال و نوجوانان و از طرف دیگر، توجه و حساس بودن موقعیت زمانی‌ای که اطفال و نوجوانان در آن به سر می‌برند. ضرورت پیش‌بینی یک نظام دادرسی افتراقی را نسبت به دادرسی کودکان و نوجوانان آشکار می‌سازد.

## ۱- دادرسی کیفری افتراقی

در کنار قواعد ماهوی متفاوت، بر اساس مطالعات کیفری صورت گرفته، حقوق کیفری شکلی متفاوتی نیز نسبت به این افراد در نظر گرفته شده است که آن را به دادرسی افتراقی ویژه اطفال

تعبیر می‌کنند. این نظام خاص دادرسی به طور مشخص با تصویب قانون اطفال بزهکار در سال ۱۳۳۸ در ایران آغاز شد و در حال حاضر تحت حاکمیت قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ قرار دارد. مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ قانون اخیر به اصول حاکم بر دادرسی اطفال اختصاص یافته است که طی آن قانونگذار تشریفات ویژه‌ای را برای محاکمه و نحوه اجرای تصمیمات قضایی مربوط به آن تعریف کرده است. این مواد نوعی دادرسی افتراقی برای اطفال بزهکار و اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تدارک دیده است که جنبه انعطاف‌پذیر و سریع دارد و به گونه‌ای است که قاضی بر اساس آن‌ها بیشتر به دنبال بازپروری و تربیت طفل است تا مجازات آن، به علاوه وظایف تحقیق و دادرسی را یک قاضی انجام می‌دهد و نهاد خانواده و والدین در کلیه مراحل فرآیند کیفری حضور داشته و با نظام عدالت کیفری همکاری می‌کنند. به موجب این مواد رسیدگی مقدماتی از جمله تعقیب و تحقیق توسط دادرس یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می‌گیرد و دادگاه کلیه وظایفی که برابر قانون به عهده ضابطان دادگستری است را راساً انجام می‌دهد. دادگاه رسیدگی کننده به جرائم اطفال حسب گزارش‌هایی که از وضع اطفال و تعلیم و تربیت آنان از کانون اصلاح و تربیت دریافت می‌کند، می‌تواند در تصمیمات قبلی خود یک بار تجدیدنظر کند و مدت نگهداری در کانون را تا یک چهارم تخفیف دهد، دادگاه مکلف است در هنگام رسیدگی به ولی یا سرپرست طفل اعلام نماید شخصاً در دادگاه حضور یابد و ... که اتخاذ چنین رویکردی نسبت به ساختارها و تشکیلات نظام دادرسی اطفال بزهکار اقدامی ضروری در راستای تحقق ایده افتراقی کردن دادرسی این گونه بزهکاران است، با این حال بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله انگلستان و ویلز از رویکرد اتخاذ شده توسط قانونگذار ایران در باب بزهکاری اطفال فراتر رفته و قوانین شکلی و ماهوی مستقلی را در این باره به تصویب رسانده‌اند و مراجع قضایی و نیز ضابطان قضایی متخصص در ارتباط با جرائم کودکان و نوجوانان را پدید آورده‌اند. به این ترتیب است که در سال‌های اخیر فرآیند رسیدگی کیفری به جرائم اطفال تا سنین معین جنبه ترمیمی به خود گرفته است، به گونه‌ای که بزهکار و والدین آن‌ها با نظارت و همراهی قاضی یا شخص ثالثی از جامعه مدنی تمام تلاش خود را به منظور برقراری سازش میان طرفین و نیز حل و فصل اختلاف‌ها و تعارض‌های ناشی از جرم به کار می‌برند و از این رهگذر اقدام قضایی کیفری متعارف در مورد بزرگسالان کمرنگ شده و در عوض راهبرد قضایی و شبه قضایی ترمیمی که فرآیند دادرسی کیفری را به فرآیند دادرسی مدنی نزدیک می‌سازد، در اولویت قرار می‌گیرد. دادگاه اطفال در همین

چهارچوب و در جهت تنبیه و اصلاح طفل بزهکار تصمیماتی را صادر می‌کند.<sup>۱</sup>

### ۱-۱- کشف جرم

هدف آیین دادرسی کیفری، وضع قواعد رسیدگی عادلانه انسانی، پیشگیری از وقوع اشتباه در تشخیص جرم و مرتکب و بالاخره تحقق عدالت کیفری است. بررسی موفقیت قانونگذار ایران در انتخاب سیاست جنایی خاص نسبت به اطفال بزهکار می‌تواند به پرکردن خلاءها و رفع نواقص منتهی شود. (انصاری، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۶) در این خصوص رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان بزهکار مستلزم وجود یک دادرسی ویژه برای آنان است. تنها در صورت وجود چنین دادرسی است که خاص بودن بزهکاری اطفال و نوجوانان مورد توجه قرار می‌گیرد. خصوصیت این بزهکاری در آن است که با عناصر مربوط به شخصیت و دوران گذر آنان از مرحله کودکی به نوجوانی و جوانی مرتبط است. لذا از یک طرف، درک صحیح بزهکاری اطفال و نوجوانان و از طرف دیگر، توجه و حساس بودن موقعیت زمانی‌ای که اطفال و نوجوانان در آن به سر می‌برند. ضرورت پیش‌بینی یک نظام دادرسی ویژه را آشکار می‌سازد.

باید دقت داشت که از لحاظ شکلی، دادرسی جرائم (اطفال و نوجوانان) بر عهده قوانین کیفری گذاشته شده است. مهم‌ترین قانون کیفری ما تاکنون قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ بوده که عمر آن با لازم‌الاجرا شدن قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به پایان رسید. حمایت از اطفال بزهکار دارای نکات مثبت و قابل توجهی است و در ارزیابی کلی می‌توان ادعا کرد که خلاء یک قانون منسجم و جامع در مورد تحقیقات مقدماتی، ایجاد پلیس ویژه نوجوانان، ایجاد پرونده شخصیت و رسیدگی، صدور رأی و اجرای حکم در مورد دادرسی کودکان و اطفال تا حدود زیادی برطرف شده است. از این رو با عنایت در کلیت قانون جدید نوعی نوآوری به چشم می‌خورد. بر اساس ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آیین دادرسی درباره رسیدگی به جرائم اطفال شامل مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات

1- parlington.M, Introduction to the English Legal System, Oxford University press, 2th ed, 2003, pp 118-120.

مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، (بزه‌دیده) و جامعه وضع شده است. بخش دوم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که به کشف جرم و تحقیقات مقدماتی اختصاص داده شده مقرر داشته است، که به منظور کشف جرم در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل شود. اما رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان مطابق فصل نهم این قانون است. ماده ۲۸۵ قانون جدید مقرر داشته است که: "در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود."

#### ۱-۱-۱- ضابطین دادگستری

ضابطان دادگستری به دلیل وظایف حساسی که بر عهده آنان گذاشته شده است، از اهمیت خاصی برخوردارند و به همین دلیل، قانونگذار طی مباحث اولیه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به موضوع ضابطان و وظایف آنان پرداخته است. آنچه مسلم است، اولین برخورد مقامات قانونی با جرائم ارتكابی اطفال، توسط ضابطان صورت می‌پذیرد و به عقیده متخصصان علوم جرم‌یابی، چنانچه این برخورد اولیه، توأم با دقت، هوشیاری، نکته‌سنجی و ارتباط منظم وقایع نباشد، سنگ بنای اولیه پرونده کیفری، کج نهاده خواهد شد و قاضی نیز که مدارک مکتوب در پرونده، بیشترین ادله او برای تصمیم‌گیری است، به سبب سستی دلایل و مدارک جمع‌آوری شده، از صدور رأی متناسب عاجز مانده و در این رهگذر، اهداف مجازات که عبارت است از تنبیه مقصر، ارباب سایرین، تشفی خاطر مجنی علیه و سایر امور، حاصل نمی‌شود و در مواردی نیز ممکن است حقوق مربوط به دادرسی اطفال نادیده گرفته شود.

#### ۱-۱-۱-۱- جایگاه قانونی ضابطین دادگستری

در مورد جایگاه قانونی ضابطان دادگستری باید گفت که ضابطان را فقط قانون معین می‌کند و تعیین آن، به نظر و سلیقه اشخاص بستگی ندارد. علت توجه قانونگذار به این موضوع، حساسیتی است که در تشکیل پرونده کیفری و مخصوصاً اطفال وجود دارد. ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ

اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند. (ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)

ضابطان دادگستری را قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به دو گروه ذیل تقسیم کرده است:

الف- ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند. بنابراین بر اساس این قانون ضابطان عام منحصر در فرماندهان، افسران، و درجه داران آموزش دیده نمود. علاوه بر آن مطابق تبصره ماده ۲۹ قانون جدید کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند اما تحت نظر ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. یکی از مواردی که قانون جدید برای ضابطان دادگستری ملزم کرده است رد کردن دوره‌های آموزشی و داشتن کارت ویژه ضابطان است و انجام تحقیقات و اقدامات از سوی ضابطان فاقد کارت ممنوع و فاقد اعتبار است.

ب- ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

بنابراین با توجه به موارد ذکر شده، ضابطان دادگستری در یک تقسیم بندی به ضابطان عام و خاص تقسیم می‌شوند. ضابطان عام به ضابطانی گفته می‌شود که مأموریت آن‌ها به جرم خاصی محدود نمی‌شود برخلاف ضابطان خاص که اصل بر عدم صلاحیت آن‌هاست مگر در موارد خاصی که قانون تعیین کرده است. (خالقی، ۱۳۹۲: ۴۶) اما ملاک محدود بودن یا نبودن اختیارات وظایف ضابطان در نوع جرم ارتكابی ملاک کاملی نیست زیرا برخی ضابطان حق دخالت در کلیه جرائم را دارند اما باز هم ضابط خاص محسوب می‌شوند مانند مأموران زندان که نسبت به کلیه جرائم ارتكابی از سوی زندانیان ضابط محسوب می‌شوند و محدودیت آن‌ها از جهت مرتکب جرم و مکان وقوع آن است. ضابطان خاص در شرایط و موقعیت‌های خاصی ضابط محسوب

می‌شوند؛ بنابراین پیش‌بینی این ضابطان به معنای آن نیست که ضابطان عام در محدوده وظایف ضابطان خاص مسئولیتی ندارند و از آنان سلب مسئولیت می‌شود. ممکن است گفته شود ضابطان خاص، در محدوده خاصی فعالیت می‌کنند که نیاز به تجربه و تخصص دارد، بنابراین ضابطان عام نمی‌توانند در محدوده وظایف ضابطان خاص دخالت کنند و اگر اقدامی هم انجام دهند غیرقانونی می‌باشد. (زراعت، ۱۳۹۳: ۱۵۷-۱۵۶)

### ۱-۱-۱-۲- صلاحیت ضابطین دادگستری در جرایم اطفال

امروزه در اغلب کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که برای پیشرفت در کار مبارزه با جرائم اطفال و نوجوانان، باید گروه‌های خاصی به نام پلیس اطفال به وجود آورد. این کاری است که در حال حاضر در اغلب کشورهای بزرگ اروپایی و آمریکای شمالی انجام شده و نتایج رضایت بخشی داشته است. در میان علمای جرم‌شناسی و متخصصین جرائم اطفال، نظر اکثریت بر این است که پلیس زن قابلیت و آمادگی بیشتری برای پیشگیری از بزهکاری اطفال داشته و باید تا بدانجا که ممکن است جهت ضابطان دادگستری از وجود بانوان پلیس نیز استفاده شود. صلاحیت ضابطان دادگستری در قانون "مصوب ۱۳۷۸" همان بود که قانون مقرر کرده و با توجه به اینکه پلیس ویژه‌ای برای اطفال ایجاد نشده بود؛ بنابراین صلاحیت آن‌ها همان صلاحیتی است که در مواد قانون فعلی وجود دارد. بنابراین در این خصوص وظایف ضابطان دادگستری در مورد اطفال نیز اقداماتی بوده که در حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی بوده و در این خصوص ضابطان مکلف بوده‌اند به موجب قانون اقدام کنند. بنابراین بر اساس ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد:

یک- ضابطان دادگستری، اشخاصی هستند که از سوی مقام قضایی جهت امور محوله قانونی در مورد اطفال مأموریت پیدا می‌کنند و این مأموریت ممکن هست به غیر از کارمندان دولت نیز محول شود، زیرا واژه مأموران واژه مطلق است که منحصر در کارمندان دولت نمی‌باشد مانند بسیجانی که در موارد خاص، مأموریت ضابطان را بر عهده دارند.

دو- اقدامات ضابطان دادگستری در مورد اطفال باید تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی صورت گیرد. ضابطان دادگستری نماینده مقام قضایی محسوب می‌شوند و در چهارچوب

نماینده‌گی، فعالیت می‌کنند و اختیاراتی از خود ندارند مگر در موارد خاصی که رسیدگی سریع لازم باشد و دسترسی به مقام قضایی ممکن نباشد یا اخذ دستور از مقام قضایی موجب فرار متهم یا از بین رفتن دلایل شود.

سه - صرف دستور مقام قضایی، تکلیفی برای ضابطان دادگستری ایجاد نمی‌کند، بلکه این دستور باید در چهارچوب قانون باشد و شرایط آمر و مأمور و امر قانونی فراهم باشد؛ هر چند در این زمینه اختلاف نظرهایی نیز وجود دارد که در حقوق مورد بحث قرار گرفته است.

چهار - تصمیماتی که ضابطان دادگستری اتخاذ می‌کنند، دارای جنبه‌ی اداری و اجرایی و فاقد ماهیت قضایی می‌باشد. (زراعت، ۱۳۹۳: ۱۵۵ - ۱۵۴)

با این مقدمه باید دید صلاحیت ضابطان دادگستری در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تا کجاست؟ ابتدا باید گفت که بر خلاف قانون سال ۱۳۷۸ که وظایف کشف جرم و تحقیقات مقدماتی اطفال به ضابطان دادگستری سپرده شده بود. ضرورت تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در قانون جدید را باید در اهمیت نخستین برخورد نیروی انتظامی با اطفال و نوجوانان بزهکار دانست. برای رعایت همین مصلحت است که در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ و نیز به موجب ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ وظایف ضابطان دادگستری به قضات دادگاه اطفال واگذار شده است. در قانون مصوب ۱۳۷۸ کلیه اقدامات اعم از تعقیب، تحقیق و رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۵ سال تمام خورشیدی، به شرط آنکه مجازات قانونی جرم ارتكابی فقط حبس کمتر از ۳ سال و یا جرم منافی عفت باشد توسط دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آمد و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که بر طبق قانون به عهده ضابطان دادگستری است، انجام می‌داد. در غیر از موارد مذکور تعقیب و تحقیقات مقدماتی توسط دادسرا بر طبق این قانون انجام می‌شود. (مندنی، ۱۳۹۳/۱۰/۹، سایت دادگستری کرمان)

مطابق تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است را انجام می‌دهد.

### ۱-۱-۲- پلیس ویژه اطفال

تشکیل پلیس ویژه کودکان گام مهمی در جهت تکمیل پروسه دادرسی افتراقی است و باعث می‌شود دادرسی اطفال کاملاً جدا از دادرسی بزرگسالان باشد. در قوانین ما تصریح شده است که نگاه به کودکان معارض به قانون با یک دادرسی ترمیمی انجام شود که بتواند ترمیم‌کننده باشد نه این‌که جنبه تنبیه یا مجازات داشته باشد و بتواند از کودکان حمایت کند. بر اساس این، دادرسی افتراقی، باید پلیس ویژه کودکان، قوانین ویژه کودکان و همین‌طور مکان ویژه برای نگهداری کودکان معارض با قانون وجود داشته باشد.

### ۱-۱-۲-۱- جایگاه قانونی پلیس ویژه اطفال

یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ایجاد پلیس ویژه اطفال است. ضرورت و مزایای تشکیل چنین پلیسی، تدوین‌کنندگان لوایح پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال و نوجوانان و رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان را بر آن داشته است که تأسیس چنین نهادی را پیشنهاد کرده و البته لایحه‌ای مستقل در این زمینه تصویب کنند. (کاظمی، خبرگزاری میزان، ۹/۱۰/۱۳۹۳) در ماده ۵۳ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان نیز صراحتاً اعلام شده است که به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان تشکیل می‌شود. بنابراین بر اساس ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می‌شود. البته انتقاداتی که در این زمینه وجود دارد یکی عدم معین کردن محدوده سنی مشخص است و دیگری اینکه منظور از اطفال و نوجوانان چه کسانی است؟ این امر به این دلیل است که قانون آیین دادرسی کیفری مشخص نکرده که پلیس ویژه اطفال برای چه طیف سنی است؛ آیا منظور افراد کمتر از ۱۵ سال برای پسران و ۹ سال برای دختران است یا منظور افراد زیر ۱۸ سال است؟

### ۱-۱-۲-۱- وظایف و اختیارات پلیس ویژه اطفال

پپیچیده‌ترین و حساس‌ترین مرحله دادرسی، مرحله کشف جرائم است. در این مرحله، روان‌شناسی و حقوق به شدت درهم می‌آمیزند. این مرحله است که سرنوشت قضایی طفل بزهکار را تعیین

می‌کند، ممکن است او را از تعقیب کیفری معاف سازد یا به پای میز محاکمه بکشاند. توضیح آنکه، هرگاه در این مرحله، دلایل و قراین کافی جمع آوری شود، با صدور قرار مجرمیت و متعاقب آن با صدور کیفرخواست، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه جزایی ارسال می‌شود، در غیر این صورت بر حسب مورد، قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب صادر می‌شود. آنچه در مرحله کشف جرم توسط پلیس مقتدر به عنوان سیاست‌های کلی مدنظر قرار می‌گیرد، کشف حقیقت است و لازمه آن، این است که دلایل بیگناهی متهم نیز جمع آوری شود. یک آیین دادرسی مطلوب باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر تأمین منافع جامعه، شهروند بیگناه را در اثبات بیگناهی اش یاری کند. این مهم برآورده نمی‌شود، مگر اینکه حقوق متهم در جریان دادرسی رعایت شود. اما سؤال اساسی این است که چه کسی باید حقوق متهم را به او تفهیم کند؟ در حقوق کشورهایی که نظام انگلوساکسون را به عنوان الگو انتخاب کرده‌اند، پلیس علاوه بر رعایت حقوق متهم مکلف است این حقوق را به وی تفهیم کند و در نظام حقوق رومی - ژرمنی، این وظیفه مهم بر عهده قاضی تحقیق گذاشته شده است. در حقوق کشور ما در ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری قبل فقط تفهیم این موضوع به متهم «که مواظب اظهارات خود باشد» پیش‌بینی شده بود. خوشبختانه قانون آیین دادرسی کیفری جدید در این خصوص اشعار می‌دارد: «هرگاه متهم در مرجع انتظامی تحت نظر قرار گرفته ضابطان دادگستری مکلف‌اند حقوق مندرج در این قانون را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.» (عباچی، ۱۳۸۸: ۲۰-۱۵)

با توجه به اینکه هنوز لایحه‌ای در خصوص وظایف پلیس ویژه اطفال و نوجوان تصویب نشده است و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز به وظایف و اختیارات پلیس ویژه اطفال نپرداخته است، به نظر می‌رسد مهم‌ترین وظیفه پلیس اطفال کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی در مورد جرائم اطفال باشد. البته سایر وظایف پلیس ویژه اطفال می‌تواند شامل موارد ذیل نیز باشد:

۱- جمع آوری کودکان و نوجوانانی که بدون داشتن هدف معین و بیشتر به صورت ولگردی در خیابان‌ها پرسه می‌زنند.

۲- جلوگیری از ورود کودکان و نوجوانان به اماکن نامناسب نظیر کافه‌ها یا سینماهایی که برای آن‌ها ممنوع است.

۳- مواظبت و مراقبت از دختران و پسران نابالغ که در معرض فساد اخلاق قرار دارند و یا توسط بزرگسالان به کارهای زشت و مخالف اصول اخلاقی سوق داده می‌شوند.

۴- توجه به حال کودکانی که در منزل تحت شرایط نامناسبی قرار داشته و ممکن است مورد ضرب و شتم وحشیانه و بدرفتاری بزرگ‌تران خود قرار گیرند.

۵- رسیدگی و حمایت از کودکانی که مورد تهاجم یا تجاوز بزرگسالان واقع می‌شوند.

۶- رسیدگی و پیشگیری از کار کودکان زیر ۱۵ سال که برخلاف مقررات حقوق کودک و قوانین کار به کارهای سخت و سنگین گمارده می‌شوند. (امامی نمینی و صلاحی، ۱۳۸۹: ۱۰۰-۹۹) البته همان‌طور که ذکر شد در مورد اطفال کمتر از ۱۵ سال کلیه وظایف ضابطان دادگستری بر عهده دادگاه اطفال است.

#### ۱-۲- تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم، حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می‌گیرد. ضابطان دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند. باید دانست تحقیقات مقدماتی مفهومی وسیع‌تر از تحقیقات پلیسی دارد و یکی پنداشتن آن‌ها خطا است. (آخوندی، ۱۳۸۴: ۱۴) در حقیقت، تحقیقات مقدماتی مجموعه اقدامات قضایی بسیار مهم و حساس و سرنوشت‌ساز بوده و مقدمه واجب دادرسی‌های مهم جزایی است. تحقیقات مقدماتی قلمرو وسیع‌تری دارد و سه دسته اعمال قضایی را در برمی‌گیرد:

الف- جمع‌آوری دلایل و قراین و امارات جرم.

ب- جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم و امحای آثار و علائم جرم.

ج- اظهار نظر درباره بزهکار بودن یا نبودن متهم.

تحقیقات مقدماتی یکی از مهم‌ترین مراحل و در واقع اساس و پایه یک پرونده کیفری است و

دقت، هوشیاری، سرعت عمل توأم با رعایت عدالت و انصاف رسیدگی در مرحله بعد را تسهیل می‌کند. در این خصوص یکی از وظایف عمده دادستان، ارجاع پرونده به بازپرس است تا به دستور او، تحقیقات مقدماتی شروع شود. بنابراین بازپرس تا زمانی که پرونده از سوی دادستان به او ارجاع نشده حق رسیدگی نداشته و الا تمام تحقیقات او فاقد ارزش قضایی است. با این مقدمه بر اساس ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، منظور از تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی به موجب قانون برای حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود. این نکته نیز قابل ذکر است که تحقیقات مقدماتی اطفال زیر ۱۵ سال مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شود. پس از مرحله کشف جرم، برای شناسایی شخصیت بزهکار و علل وی، نسبت به فرد مظنون تحقیقات مقدماتی انجام می‌شود. البته فرد مظنون ممکن است همان فرد بزهکار باشد و یا اینکه بعد از انجام تحقیقات و رسیدگی و تعقیب، بزهکاری او محرز نشود. به هر حال تحقیقات مقدماتی اصولاً توسط بازپرس صورت می‌گیرد که برای تکمیل پرونده و همچنین ارائه مدارک لازم در مرحله دادرسی، به ویژه جرائم مهم حائز اهمیت است. این نکته را باید متذکر شد که در تحقیقات مقدماتی هیچ طفلی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی قرار گیرد. و به طور کلی اعمال هر گونه تنبیه بدنی نسبت به طفل ممنوع است.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۱- ویژگی‌های تحقیقات مقدماتی در جرایم اطفال

نظر به اثرات سوایی که ممکن است تشریفات طولانی رسیدگی به جرم و تعدد مراجع بر روحیه طفل داشته باشد؛ اکثر قوانین جزایی دنیا رسیدگی به جرائم اطفال را از شمول مقررات عمومی مستثنی دانسته و تابع ضوابط خاص نموده‌اند. بنابراین به دلیل تأثیرات منفی حضور طفل در مراجع انتظامی و قضایی، در مقررات بین‌المللی از جمله قطعنامه پکن توصیه می‌شود:

- حتی المقدور از روش‌های غیر قضایی و یا پرهیز از دادرسی به اتهامات اطفال رسیدگی شود.
- در صورت ضرورت به سرعت و بدون تأخیر رسیدگی انجام شود.

مقررات سال ۱۳۳۸ در همین رابطه در ماده ۶ مقرر می‌داشت: رسیدگی به جرائم اطفال تابع مقررات آیین دادرسی کیفری نیست. متأسفانه نه تنها اثری از این ویژگی در نظام جزایی فعلی پیش‌بینی نشده است بلکه تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ رسیدگی به جرائم اطفال را تابع مقررات عمومی دانسته بود. به عبارت دیگر با وصف وقوف به تأثیرات دادرسی معمولی و عادی؛ طفل بزهکار باید همان مراحل دادرسی بزرگسالان را در تعقیب و تحقیق تحمل نماید. (نجفی توانا، ۱۳۸۲: ۱۳۸-۱۳۷) علی‌ای‌حال لازم است که در مورد رسیدگی به جرائم اطفال موارد ذیل رعایت شود:

#### ۱-۲-۱-۱- ویژگی‌های عام

تحقیقات مقدماتی اطفال غیرعلنی است. این تحقیقات، خواه به وسیله مقامات قضایی، و خواه به وسیله ضابطین دادگستری انجام پذیرد، در هر حال باید سری و غیرعلنی باشد. غیر از کسانی که در امر جزایی دخالت دارند، افراد دیگر نباید در جلسه تحقیق حضور یابند. هر مقام رسمی و دولتی که در تحقیقات مقدماتی اطفال شرکت می‌کند مکف به حفظ اسرار آنان بوده و اهل خبره و کارشناسان نیز مکلف به حفظ اسرار حرفه‌ای خود هستند. اضافه بر این متهم، شاکی و شاهد منفرداً بازجویی می‌شوند و نباید با همدیگر داخل در مذاکره و مواضعه (تبانی) شوند و از اظهارات یکدیگر اطلاع حاصل کنند. (آخوندی، ۱۳۶۸: ۲۲)

#### ۱-۲-۱-۱- غیرعلنی بودن

غیرعلنی بودن محاکمه اطفال یک حق قانونی است که طفل در حین محاکمه از آن برخوردار است. در معاهده حقوق کودک سری بودن جلسات رسیدگی محاکمه طفل، تأکید شده و مقرر شده است که محرمانه کامل موضوع در طول تمام مراحل دادرسی امری لازم است. حفظ اسرار زندگی خصوصی و زندگی طفل از حقوق مسلم او به شمار می‌رود که بایستی در تمام مراحل دادرسی، محترم شمرده شود و از انتشار جریان دادرسی طفل در رسانه‌های گروهی و ارتباطات جمعی ممانعت به عمل آید.

برای اینکه تبلیغات و سر و صدا در اطراف جرائم اطفال و نوجوانان از طرفی موجب تشویق سایر مجرمان نگردد و از طرف دیگر بر روی مجرمان خردسال که مورد محاکمه و احیاناً

محکومیت قرار می‌گیرند، تأثیر سویی که موجب تباهی آینده آنان گردد، باقی نگذارد. بنابراین در بیشتر کشورها رسیدگی در دادگاه اطفال غیرعلنی بوده و مردم عادی حق ورود و استماع جریان دادرسی را ندارند. (عباچی، ۱۳۸۵: ۱۱۸)

حق نوجوان برای داشتن حریم خصوصی را باید در همه مراحل مراعات کرد تا از وارد آمدن آسیب ناشی از پدید آمدن جنجال‌های بی‌مورد یا برچسب زدن جلوگیری شود. اهمیت محافظت طفل از تأثیرات نامساعدی که ممکن است از انتشار اطلاعات مربوط به موضوع در رسانه‌های همگانی ناشی شود، تأکید می‌شود و باید توجه داشت که به طور مستقیم منافع طفل حفاظت و رعایت شود.<sup>۱</sup> در این راستا، سوابق مجرمانه کودک را باید کاملاً محرمانه و بسته بر روی افراد ثالث نگه داشت. دسترسی به چنین سوابقی باید به اشخاصی که به طور مستقیم با پرونده سروکار دارند یا اشخاص تام‌الاختیار دیگر محدود شود.<sup>۲</sup> در ارتباط با غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی می‌توان از قانون اصول محاکمات جزایی و همچنین از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون جدید مصوب ۱۳۹۲ مواد متعددی را به عنوان شاهد نقل کرد. بر اساس ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی است مگر در جرائم قابل گذشت که به آن‌ها در دادسرا حتی الامکان به صورت ترافیعی رسیدگی می‌شود و بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجیگری نماید. اضافه بر آن بر اساس ماده ۳۵۲ قانون جدید: "محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند:

الف- امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

ب- علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

تبصره- منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است."<sup>۳</sup>

1- Beijing Rules-Artile(8-1)  
2- Beijing Rules-Artile(22-1)

موارد فوق نیز تبعاً شامل دادرسی اطفال نیز می‌شود چرا که اطفال نسبت به سایر افراد آسیب پذیرتر هستند.

#### ۱-۲-۱-۱-۲- کتبی بودن

یکی از مواردی که در مورد جرائم اطفال و نوجوانان باید دقت داشت این است که ممکن است اطفال توانایی نوشتن یا پاسخ به سؤالات بازپرس را نداشته باشند و یا از سواد بی بهره باشند بنابراین در اینجا لازم است که مقام قضایی برای اطفال زیر ۱۵ سال اقدامات و تدابیر لازم را پیش‌بینی کند. ماده ۱۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ در مورد تحقیق از متهم بیان می‌داشت: "پاسخ سؤالات همان طور که بیان می‌شود باید بدون تغییر و تبدیل و یا تحریف نوشته شود، متهمین با سواد می‌توانند، شخصاً پاسخ سؤالات را بنویسند" مطابق ماده‌ی ۱۵۷ آیین دادرسی کیفری پس از اینکه ابراز شهادت یا اظهار اطلاعات به اتمام رسید متن آن قرائت و به امضای شاهد یا مطلع می‌رسد هرگاه شاهد یا مطلع فاقد امضا باشند انگشت می‌زنند و اگر از امضا یا زدن انگشت خودداری ورزند یا قادر به امضا و زدن انگشت نباشند مراتب در برگ تحقیق قید می‌شود.

تمامی اوراق تحقیق باید به امضای قاضی و منشی برسد. ماده‌ی ۱۵۸ این قانون نیز درباره چگونگی تنظیم صورت جلسه بازجویی و تصحیح اشتباهات است. همه این موارد دلالت بر کتبی بودن اقدامات مرحله تحقیق دارد. موارد ذیل در قانون جدید دلالت بر کتبی بودن است:

۱- متهم با سواد خودش پاسخ را می‌نویسد. (ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)

۲- نوشتن بین سطور، قلم خوردگی و تراشیدن کلمات در اوراق بازجوئی و تحقیقات ممنوع است. اگر یک یا چند کلمه اضافه شده باشد باید بر روی آن خط نازکی کشیده و این موضوع قید شود و بازپرس و شخصی که تحقیق از او به عمل می‌آید آن را امضا کنند. هرگاه این ترتیب رعایت نشود کلمات و خطوط مزبور فاقد اعتبار است. رعایت مقررات این ماده در تمام مراحل دادرسی از سوی مقامات و ضابطان دادگستری الزامی است. در صورت وقوع قلم خوردگی جزئی موضوع باید در ذیل برگه توضیح داده شده و به امضای اشخاص فوق برسد. (ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)

### ۱-۲-۱-۱-۳- سریع بودن

تحقیقات مقدماتی اطفال باید سریع باشد. قاضی تحقیق و یا هر مقامی که تحقیقات مقدماتی اطفال را انجام می‌دهد نباید در تحصیل و جمع‌آوری اسناد و دلایل جرم تعلل ورزد و مکلف است اقدامات ضروری را بدون فوت وقت به انجام رساند و بکوشد برای پیشگیری از امحای آثار جرم و ممانعت از فرار و یا مخفی شدن متهم لحظه‌ای تأخیر نشود. تسامح در تحقیقات مقدماتی ممکن است نتیجه زیانباری داشته باشد و سبب شود که آثار و علائم جرم از بین برود و یا متهم فرار کند و یا مخفی گردد، که تدارک آن بعدها امکان نداشته، یا دشوار باشد.

قانونگذاران ایران، در دوره‌های مختلف قانونگذاری، همگام با سایر قانونگذاران دنیا، در مواد قانونی متعدد به لزوم تسریع در انجام تحقیقات مقدماتی تأکید نموده‌اند که این امر در مورد اطفال نیز مصداق دارد. و لذا در ماده ۵۸ قانون اصول محاکمات جزایی آمده است: "تحقیقات مقدماتی باید به قدر امکان سریع باشد و لذا روزهای تعطیل مانع از تحقیقات نمی‌شود."

در ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز تصریح شده بود به این که: "دادرسان و قضات تحقیق مکلف‌اند اقدامات فوری برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم به عمل آورده و در تحصیل و جمع‌آوری اسباب و دلایل جرم به هیچ وجه نباید تأخیر نمایند."

همچنین برابر ماده ۴۲ قانون مذکور: "مقامات رسمی و ضابطین دادگستری موظف‌اند دستورات دادرسان و قضات تحقیق را فوری به موقع اجرا گذارند. متخلف از این ماده به مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد." در ماده ۶۱ قانون یاد شده با صراحت هر چه تمام‌تر اعلام شده است: "تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی‌شود." و بالاخره ماده ۲۰ قانون مذکور بیان می‌داشت: "ضابطین دادگستری مکلف‌اند در اسرع وقت و در مدتی که مقام قضایی تعیین می‌نماید نسبت به انجام دستورات و تکمیل پرونده، اقدام کنند..."

با توجه به لزوم انجام فوری تحقیقات مقدماتی اطفال، بهتر است مقامات قضایی هنگام ارجاع پرونده به ضابطین دادگستری یا اعطای نمایندگی به آنان و یا صدور دستور برای انجام تحقیقات مقدماتی هر بار این نکته مهم و الزام قانونی را به آنان یادآوری نماید. (آخوندی، ۱۳۸۴: ۲۰) قانون

آیین دادرسی کیفری جدید نیز در مواد مختلف از جمله مواد ۹۴، ۹۵، ۱۰۴، ۱۲۶، ۱۸۷ و ۲۱۶ به اصل سرعت در رسیدگی اشاره داشته است. که این مقرر شامل اطفال نیز می‌شود. باید متذکر شد که در اصول حاکم بر تحقیقات مقدماتی هیچ اصلی به مانند تسریع در تحقیقات مقدماتی تأکید نشده است. (مهبادی، ۱۳۹۳: ۹۲) این امر به دلیل این است که در کشورمان اطاله دادرسی زیاد بوده و تشکیلات قضایی ما از این امر رنج می‌برد. به همین خاطر است که ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری جدید به رسیدگی فوری در کوتاه‌ترین زمان ممکن تأکید داشته است.

ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: "مراجع قضایی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند."

#### ۱-۲-۱-۱-۴- غیر ترافیعی

تحقیقات مقدماتی اطفال، غیر ترافیعی یا غیر تدافعی است. منظور از غیر ترافیعی بودن این است که در آن تناظر بین شاکی و متهم و یا وکلای آنان به نحوی که در جریان دادرسی در دادگاه‌ها می‌گذرد وجود ندارد. عدم حضور وکیل مدافع، در تحقیقات مقدماتی، موقعیت دفاعی متهم را با مشکل مواجه می‌کند. متهم مکلف است به پرسش‌ها شخصاً جواب دهد. طبق روال عمومی، پاسخ‌های از پیش ساخته شده، در این مرحله فاقد ارزش قضایی است. در قوانین بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان امروزی، این روش تعدیل شده است و به متهم اجازه و امکان داده می‌شود تا در مرحله تحقیقات مقدماتی، همانند مرحله دادرسی، از حضور و شرکت فعالانه یک وکیل مدافع بهره‌مند شود. (آخوندی، ۱۳۸۰: ۲۴۲-۲۳۵)

در کشور ما تبصره ماده ۱۱۲ قانون اصول محاکمات جزایی به طور محدودتری امکان حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی را پذیرفته بود و این امید وجود داشت که در اصلاحات بعدی قانون، شرکت فعالانه وکیل مدافع در مرحله سرنوشت‌ساز تحقیقات مقدماتی گسترش یابد؛ اما بر خلاف این توقع بحق، تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ قلمرو آن را باز هم محدودتر کرده بود و در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در جریان علیه امنیت کشور، حضور وکیل در

مرحله تحقیقات مقدماتی را به اجازه دادگاه منوط کرده بود. بر اساس ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یکساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

البته بر اساس تبصره این ماده قانون، اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرائم سازمان‌یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روانگردان و یا جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۳۰۲) این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن، امکان ملاقات با وکیل را ندارد. برخلاف ماده ۱۲۸ قانون کیفری سابق، برابر ماده ۱۹۰ قانون جدید اطفال نیز می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس، به اطفال ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه، متهم احضار شود، این حق در برگیرنده احضار قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.

اضافه بر آن مطابق ماده ۶۶ قانون جدید سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان است، می‌تواند در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت کنند و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند. البته باید دقت داشت که توسعه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری مستلزم فراهم بودن زمینه‌های فعالیت این سازمان‌ها در جامعه است. (خالقی، ۱۳۹۳: ۷۲)

حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی و حقی که برای سازمان‌های مردم‌نهاد مشخص شده، از مواد طلایی مقرر در قانون جدید بوده که منطبق با اصول حقوق بین‌الملل بشر می‌باشد و در قانون سابق، به ترتیب مزبور مقرر نشده بود. این مقرر گام بزرگی در حمایت از اطفال را برداشته است.

### ۱-۲-۱-۲- ویژگی‌های خاص

اگر به مواد مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال در آیین دادرسی کیفری نظری بیفکنیم، خواهیم دید که قانونگذار کوشیده است با عدم خشونت و رعایت روحیات کودک قانون وضع نماید، گرچه در مواردی رعایت نمی‌شود. رسیدگی به جرائم اطفال دارای ویژگی‌هایی است که آن را از رسیدگی به جرائم دیگر متمایز می‌کند و همه آن‌ها نشان از اهمیت برخورد با کودک دارد.

### ۱-۲-۱-۲-۱- انجام رسیدگی‌های مقدماتی توسط دادگاه اطفال

در قوانین قبلی دادگاه اطفال یک مرجع تخصصی بود و در قانون جدید مرجع رسیدگی اختصاصی اطفال برای رسیدگی به جرائم در نظر گرفته شده که به جرائم دیگر نمی‌پردازد و این دادگاه با یک قاضی و با حضور دو مشاور تشکیل می‌شود. رسیدگی‌های دادگاه اطفال و نوجوانان تفاوت‌های خاصی با دادگاه‌های بزرگسالان دارد و در دادگاه‌های ویژه اطفال قضات باید ۵ سال سابقه داشته و متأهل و دارای فرزند باشند؛ همچنین چنانچه طفل جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ انجام داده باشد حضور وکیل الزامی است. اما اگر اتهام انتسابی ۷ یا ۸ باشد دفاع از آن توسط ولی و یا سرپرست است. در این زمینه چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از ۱۸ سال تمام تجاوز کند رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه‌های کیفری صالح صورت می‌گیرد با این تفاوت که متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند است. به دلیل حساس بودن اطفال و لزوم حمایت از آن‌ها به دلیل ضعف، در ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ انجام تحقیقات مقدماتی مستقیماً به عهده دادگاه گذاشته شده بود و از ارجاع امر تحقیق به ضابطان دادگستری منع نموده بود؛ بعلاوه ماده ۶ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ نیز دادگاه را از دادن نمایندگی در امر تحقیق به ضابطان دادگستری منع کرده است. از طرفی وفق ماده ۲۱۹ قانون (۱۳۷۸) طفل کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد و از طرف دیگر مطابق تبصره ماده ۲۲۰ این قانون دادگاه اطفال به جرائم اشخاص بالغی که زیر هیجده سال تمام می‌باشند، نیز رسیدگی می‌نماید. بر اساس ماده ۲۹۸ قانون جدید در هر حوزه قضائی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان برحسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان به جز جرائم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که

وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود. اضافه بر مورد فوق بر اساس ماده ۴۰۲ این قانون در مواردی که دادگاه کیفری یک، حسب مقررات این قانون صلاحیت رسیدگی به جرائم موضوع صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان را دارد رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان الزامی است. بر اساس قانون جدید تحقیقات مقدماتی اطفال زیر ۱۵ سال مستقیماً در دادگاه رسیدگی می‌شود.

### ۱-۲-۱-۲- حضور والدین طفل در تحقیقات مقدماتی

به هنگام انجام تحقیقات و رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، حضور والدین یا سرپرستان قانونی طفل یا نوجوان و همچنین وکیل یا مشاور حقوقی از حیث حمایت و معاضدت روانی، عاطفی و حقوقی ایشان دارای کمال اهمیت است. به همین جهت طبق ماده ۱۵ حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال و بند ۳ ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک حضور ایشان در هنگام تحقیقات و دادرسی ضروری است. در عین حال حسب قواعد مزبور، اگر حضور والدین یا سرپرستان قانونی، به تشخیص مرجع ذیصلاح قضایی، مصلحت و منفعت آنان را در فرآیند دادرسی تأمین نکند، الزامی به حضور ایشان نیست. در حقوق ایران طبق ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری، قاضی مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید که شخصاً در دادگاه حاضر شود یا برای او وکیل تعیین کنند. چنانچه اقدام به تعیین وکیل نکرده و شخصاً حاضر نشوند، دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد. در عین حال حسب ماده ۲۲۵ همان قانون، در صورتی که دادگاه حضور ولی یا سرپرست قانونی طفل را لازم نداند، بدون حضور ایشان رسیدگی خواهد کرد. نکته قابل ذکر این است که در اسناد بین‌المللی مورد اشاره، حضور وکیل یا مشاور حقوقی در رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان در هر حال الزامی است (پیمان حقوق کودک، بند ۳ قسمت ب ماده ۴۰). به این معنی که چنانچه ولی یا سرپرست قانونی با وجود حضور خود در تحقیقات و دادرسی مبادرت به تعیین وکیل یا مشاور حقوقی ننماید، حق درخواست معاضدت حقوقی رایگان برای اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده است. حال آن که در حقوق ایران، چنانچه ولی یا سرپرست قانونی طفل در جلسه رسیدگی حاضر شود، با وجود عدم تعیین و معرفی مشاور حقوقی، دادگاه حق رسیدگی دارد. با این حال، طبق تبصره ۲ ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، دادگاه مکلف بود در رسیدگی به جرائمی که دارای مجازات اعدام، قصاص نفس، حبس ابد و رجم هستند، مانند رسیدگی به جرائم بزرگسالان در صورتی که

ولی یا سرپرست قانونی مبادرت به تعیین و معرفی وکیل نکرده باشند، علی رغم حضور خودشان در جلسه دادرسی با حضور وکیل تسخیری به اتهام طفل یا نوجوان رسیدگی کند. اگر در جریان تحقیقات، دادگاه اطفال، نگهداری طفل را ضروری تشخیص ندهد اگر طفل، دارای ولی یا سرپرست قانونی باشد و وی اقدام به دادن التزام و یا سپردن وثیقه کنند. طفل تا رسیدگی نهایی آزاد خواهد شد در غیر این صورت، طفل تا اجرای حکم در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شود. بر اساس ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیاء، یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بدانند، می‌سپارد. اشخاص مذکور ملتزم اند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند. افراد پانزده تا هجده سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند. (مه‌بادی، ۱۳۹۳: ۲۰۲-۱۹۹)

#### ۱-۲-۲- ضوابط قانونی ناظر به تحقیقات مقدماتی در دادگاه اطفال

از نظر اسناد بین‌المللی، تشکیلات قضایی اطفال و نوجوانان جزء جدایی‌ناپذیری از فرآیند پیشرفت ملی کشور است، که در چارچوب جامع عدالت اجتماعی برای تمامی اطفال و نوجوانان قرار دارد، و به همین سبب و در عین حال برای حمایت از آن‌ها در جامعه نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. بنابراین خدمات و تشکیلات قضایی اطفال باید به نحوی منظم توسعه یابد و به این منظور هماهنگ شود که نقاط قوت کارکنانی که چنین خدماتی را ارائه می‌دهند، از جمله روش‌ها و شیوه‌های کار و نحوه برخورد با آنان بهبود یابد و محفوظ بماند. به لحاظ تأمین نیازهای متنوع مجرمان نوجوان و در عین حال حفظ حقوق اساسی و تأمین نیاز جامعه به نحو کامل و منصفانه، باید مؤسسات و هیأت‌هایی به وجود آید که اداره تشکیلات قضایی به آن‌ها سپرده شود و عرصه خدمات در زمینه مدیریت و اداره تشکیلات قضایی نوجوانان باید در سطح ملی و به طور منظم طراحی و اجرا شود. در کشورهایی که تشکیلات قضایی خاص اطفال وجود دارد اطفال بزهکاری را که مرتکب جرائم کم اهمیت می‌شوند بلافاصله به دادگاه اطفال و به قاضی آن دادگاه برای اتخاذ تصمیم مقتضی ارجاع می‌دهند. لزوم شناسایی علل بزهکاری و شخصیت طفل و اتخاذ روش‌های خاص برای اصلاح و تربیت و بازسازی اطفال بزهکار و پیشگیری از ارتکاب بزه مهم‌ترین هدف تشکیل دادگاه اطفال بزهکار است. (عباچی، ۱۳۹۶: ۱۰۱)

با این مقدمه از آنجا که رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در اغلب جوامع انسانی پذیرفته شده و سن متهم اقتضای رسیدگی ویژه‌ای را می‌طلبد که بیشتر در جهت اصلاح حرکت می‌کند تا مجازات، لذا قانون آیین دادرسی کیفری فصلی را به نحوه تحقیقات مقدماتی درباره اطفال اختصاص داده است. آنچه مسلم است تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال از بدو شروع تا پایان دادرسی همگی در دادگاه اطفال صورت می‌پذیرد و دادگاه مذکور کلیه وظایفی که طبق قانون به عهده ضابطان دادگستری و دادرسی است انجام می‌دهد. (تبصره ۱ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)

### ۱-۲-۲-۱- صلاحیت مرجع و مقام تحقیق

علی‌رغم پیش‌بینی تأسیس دادگاه اطفال و نوجوانان این دادگاه در مورد همه جرائم صالح نیست. به عبارت دیگر رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها قصاص عضو، قصاص نفس، اعدام، رجم، صلب و حبس ابد باشند، در صلاحیت این دادگاه نیست. رسیدگی به جرائم مذکور در دادگاه کیفری استان به عمل می‌آید. این دادگاه هرچند یک دادگاه رسیدگی خاص جرائم اطفال و نوجوانان نبوده، ولی حضور مشاوران در هنگام رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در آن الزامی است.

در ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال و نوجوانان نیز لزوم تشکیل دادرسی و دادگاه اختصاصی برای رسیدگی به جرائم اطفال در نظر گرفته شده است. برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونین دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال پانزده تا ۱۸ سال به جز جرائم مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ قانون جدید که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد در دادرسی به عمل می‌آید.

در جرائم مشهود نیز هرگاه مرتکب طفل یا نوجوان باشد ضابطان دادگستری مکلف‌اند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار علائم و دلایل جرم اقدام نمایند لیکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی موظف‌اند متهم را حسب مورد، فوری به دادرسی یا دادگاه اطفال تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست. (تبصره ۲ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) در مورد مرجع و مقام تحقیق باید دو مورد را از هم تفکیک نمود.

یکی از مراجع رسیدگی کننده به جرائم مهم اطفال، دادسرا است، وظایف دادسرا از طریق مقامات صالح اعمال می‌شود که به نقش آنان در رسیدگی به بزهکاری اطفال می‌پردازیم:

#### ۱-۲-۲-۱-۱- دادستان

به طور کلی اختیارات و وظایف دادستان در خصوص اطفال عبارت است از تحقیق در مورد نقض قانون، همکاری با پلیس در خصوص تحقیق در مورد حقایقی که در دادخواست ارائه شده، بررسی و تدارک دادخواست برای دادگاه، تصمیم درباره وضعیت طفل برای نگهداری در زمان تحقیقات مقدماتی، توجیه طفل پیش از دادگاه و ....

در عمل با عنایت به کثرت پرونده‌های کیفری و اینکه در معیت هر دادگاه جزائی تنها یک دادسرا و یک دادستان وجود دارد و با توجه به وظایف دیگری که دادستان عهده دار انجام آن امور و تمثیت آن است؛ دادیارانی که از آنان به نماینده دادستان تعبیر می‌گردد به نمایندگی از دادستان در جلسات رسیدگی به پرونده‌های کیفری اطفال در دادگاه کیفری حاضر و در جریان محاکمه، از کیفرخواست صادره از ناحیه دادسرا دفاع می‌نمایند. لازم به ذکر است که حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه رسیدگی به پرونده کیفری در دادگاه عمومی جزائی، انقلاب و دادگاه کیفری استان یک تکلیف قانونی است و اصولاً جلسه دادگاه نمی‌تواند بدون حضور دادستان یا نماینده وی تشکیل شده و به اتهامات متهم رسیدگی نماید. به موجب نص صریح مقررات بند «ج» ماده ۱۴ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، دادگاه در صورت عدم حضور دادستان یا نماینده وی فاقد رسمیت بوده و بر رسیدگی دادگاه در چنین شرایطی آثاری بار نشده و رسیدگی دادگاه فاقد اعتبار است و مرجع تجدیدنظر باید در صورت احراز عدم حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه دادگاه رأی صادره را بواسطه وجود این ایراد شکلی نقض نماید. به علاوه باید توجه داشت که لزوم حضور دادستان در جلسات رسیدگی دادگاه محدود به پرونده‌هایی که پس از خاتمه تحقیقات مقدماتی در دادسرا و صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال می‌گردند نبوده و حضور دادستان یا نماینده وی در جرائم اطفال که به موجب قانون مستقیماً و بدون صدور کیفرخواست در دادگاه مطرح می‌گردند نیز ضروری است؛ زیرا حضور دادستان یا نماینده وی در جلسات رسیدگی دادگاه صرفاً جهت دفاع از کیفرخواست نیست بلکه دادستان علاوه بر وظیفه دفاع از کیفرخواست، وظیفه نظارت بر حسن اجرای قانون در جریان محکومات کیفری و

عندالاقضاء تجدیدنظر خواهی از آراء صادره از محاکم جزایی را نیز بر عهده دارد و در مواردی که رأی براءت صادره از دادگاه را بنا به جهاتی بر خلاف قانون و یا مخالف با منافع اجتماع تشخیص دهد و یا عقیده بر محکومیت غیرقانونی متهم داشته باشد می‌تواند پس از اطلاع از رأی دادگاه و در فرجه مقرر قانونی به آن اعتراض نماید. لازم به ذکر است که حضور دادستان یا نماینده وی حسب نص صریح مقررات ماده ۲۲ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در دادگاه تجدیدنظر نیز الزامی است.

### ۱-۲-۱-۲- بازپرس

یکی از وظایف عمده دادستان، ارجاع پرونده به بازپرس است تا به دستور او تحقیقات مقدماتی شروع شود. بنابراین بازپرس تا زمانی که پرونده از سوی دادستان به او ارجاع نشود حق رسیدگی ندارد. هرگاه وضع جرم و نوع تحقیق، بررسی دقیق تری را ایجاب نماید تحقیقات مقدماتی را بازپرس با نظارت دادستان انجام داده و با صدور قرار منع تعقیب و یا قرار مجرمیت به مرحله بازپرسی خاتمه می‌دهد. بنابراین بازپرس وظایف مهمی را بر عهده دارد از جمله تحقیقات مقدماتی در جرائم مهم و بازپرس پس از ارجاع پرونده از طرف دادستان به تحقیق از شاکی و اعلام کننده جرم و سپس از اشخاصی که در جرم شرکت داشته‌اند و همچنین احضار گواهان و استماع شهادت آن‌ها و در صورت لزوم، مواجهه بین شهود و متهم و نیز معاینه و تحقیق محلی و جلب نظر کارشناس، سرانجام به توصیف اسناد و مدارک مربوط به جرم و خلاصه جمع آوری ادله جرم پرداخته و به این ترتیب پرونده متشکله از طرف سایر ضابطان دادگستری را تکمیل می‌نماید. پس از اظهار نظر قضایی از سوی بازپرس که مبنی بر احراز وقوع بزه است او می‌تواند تصمیماتی از قبیل اعزام طفل به مؤسسات ویژه اطفال اعزام به مرکز آموزشی حرفه‌ای یا درمانی، سپردن وی خانواده مورد اعتماد و ... را تحت عنوان قرار صادر نماید. بر اساس ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. البته باید دقت داشت که تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال زیر ۱۵ سال مستقیماً در دادگاه انجام می‌شود.

### ۱-۲-۲-۱-۳- احضار و جلب اطفال متهم و اتخاذ تدابیر تأمینی

آگاه کردن اطفال و نوجوانان متهم از ماهیت اتهام‌های وارد شده و دلایل شناسایی شده پیرامون آن‌ها از مهم‌ترین مأموریت‌های حقوق کیفری است. (طه و اشرفی، ۱۳۹۰: ۲۲۷) بر این اساس مقامات قضایی رسیدگی کننده به جرائم اطفال باید در سریع‌ترین زمان ممکن آن‌ها را از ماهیت اتهام‌های وارده و دلایل موجود در پرونده‌های قضایی- کیفری آگاه سازند. در قانون مربوط به تشکیل اطفال بزهکار ۱۳۳۸ در مواد مربوط به قرارهای تأمین کیفری این حق مورد توجه قرار نگرفته بود. بلکه قضات ویژه بر پایه ماده ۱۲۵ قانون اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۰ که موازین چگونگی انجام تحقیقات مقدماتی را معرفی کرده بود باید موضوع اتهام و دلایل مربوط به آن را به طور صریح به کودکان و نوجوانان متهم اطلاع می‌دادند. اما در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ به شکل رساتری به این معیار توجه شده بود و مطابق ماده ۱۳۲ آگاه‌سازی متهمان از نوع اتهام‌ها در شمار یکی از شرایط صدور قرار تأمین کیفری قرار گرفته بود. به این سان اتهام‌ها در شمار یکی از شرایط صدور قرارهای مذکور باید این معیار هم رعایت شود.

مورد دیگر هم آگاه‌سازی از اتهام بوده که باید جنبه حضوری داشته باشد. یعنی مقام‌های قضایی اتهام یا اتهام‌های وارده و دلایل مربوط به آن‌ها را به صورت مستقیم و حضوری به اطلاع متهمان برسانند. بر این اساس مخاطب مراجع قضایی برای تفهیم اتهام همان متهمان هستند. ماده ۲۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ که احضار و جلب کودکان و نوجوانان متهم از رهگذر اولیاء و یا سرپرستان را امکانپذیر پنداشته و نیز ماده ۲۲۶ که رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان به صورت غیابی را مجاز شمرده بود با حضوری بودن تفهیم اتهام ناسازگاری نداشت. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز تفهیم اتهام به عنوان یکی از شاخص‌ترین معیارها برای صدور قرار تأمین کیفری مورد توجه واقع شده است. بر پایه ماده ۲۱۷ مقام‌های قضایی: "... پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی..." می‌توانند به گزینش قرارهای مذکور مبادرت ورزند. به این سان، آگاه‌سازی کودکان و نوجوانان متهم از نوع ماهیت اتهام و دلایل مربوط به آن از جمله شرایط بنیادی است که مراجع رسیدگی کننده به جرائم کودکان و نوجوانان باید آن را محترم شمارند. این تکلیف کارگزاران عدالت کیفری کودکان و نوجوانان با ضمانت اجرا همراه شده است. مطابق ماده ۱۹۶ نادیده انگاشتن حق کودکان و نوجوانان متهم مبنی بر تفهیم اتهام اسباب محکومیت انتظامی تا درجه چهار را برای قضات فراهم می‌سازد. به این ترتیب مراجع

قضایی باید پیش از صدور قرارهای تأمین کیفری به آگاه سازی کودکان و نوجوانان متهم از اتهام وارده مبادرت ورزند. حتی، آنجا که بر اساس ماده ۴۱۴ تمام یا بخشی از دادرسی کیفری به صورت غیابی برگزار شود. (نیازپور، ۱۳۹۳: ۴۲-۴۱)

همچنین در مورد بازداشت احتیاطی برای اطفال گفته شده است هیچ کودکی نباید به طور غیرقانونی و خودسرانه زندانی شود. دستگیری، بازداشت و یا زندانی کردن یک کودک می‌بایست مطابق با قانون باشد و به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین مدت ممکن باید به آن متوسل شد. نوجوانانی که دستگیر می‌شوند یا در انتظار محاکمه هستند باید بی‌گناه تلقی شوند و باید با آنان به همین عنوان رفتار نمود. از بازداشت ضمن محاکمه، باید تا حد ممکن خودداری نمود و آن را باید به موقعیت‌های استثنایی محدود ساخت، بنابراین باید کوشید که اقدام‌های دیگری در پیش گرفت به این ترتیب هرگاه از بازداشت احتیاطی استفاده شود، دادگاه‌های اطفال و هیات‌های تحقیق باید برای رسیدگی سریع‌تر به چنین پرونده‌هایی بیشترین اولویت را قائل باشند تا مدت بازداشت به کوتاه‌ترین زمان ممکن تقلیل یابد. (خزانی، ۱۳۷۷: ۴۳)

در این خصوص با جود همه مزیت‌هایی که قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ برای اطفال در نظر گرفته بود، قانونگذار از میان قرارهای تأمین کیفری جامعه فقط قرارهای کفالت و وثیقه را شناسایی کرده بود و در نتیجه سپردن کودکان و نوجوانان متهم به خانواده از عرصه حقوق کیفری کودکان و نوجوانان کنار گذاشته شد. بر این اساس، مقام‌های قضایی نمی‌توانستند به موجب این قانون نسبت به سپردن اطفال متهم به پدر و مادر و یا دیگر اشخاص اقدام نمایند.

اما این سیاست در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تغییر یافته و مطابق ماده ۲۸۷ سپردن کودکان و نوجوانان متهم دوباره وارد گستره عدالت کیفری شده است. به موجب این ماده: "در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیاء، یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بدانند، می‌سپارد. اشخاص مذکور ملتزم‌اند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند. افراد پانزده تا هجده سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند."

پیداست که بر اساس این ماده سپردن متهمان به عنوان یک پاسخ تضمین کننده به نابالغان محدود نبوده و قضات می‌توانند از آن نسبت به متهمان زیر ۱۸ سال بهره‌گیرند. اتخاذ این سیاست از سوی نویسندگان قانون مذکور گویای این نکته است که همه افراد زیر ۱۸ سال باید از تدابیر خاص برخوردار باشند. پس سیاست‌های افتراقی نباید به شماری از متهمان زیر هیجده سال اختصاص یابد بلکه کلیه آنان باید مشمول این تدابیر ویژه قرار گیرند. به این ترتیب، بر اساس قانون مذکور مقام‌های قضایی می‌توانند از این سازوکار برای تضمین حضور کودکان و نوجوانان متهم در پهنه عدالت کیفری بهره‌جویند. (نیاز پور، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۳)

#### ۱-۲-۱-۲-۱-۴- حضور وکیل مدافع

پیمان‌نامه حقوق کودک در بند ۲ قسمت ب ماده ۴۰ در مورد حق کودک در مظان اتهام مبنی بر برخورداری از مساعدت حقوقی برای تهیه و ارائه دفاعیه خود تصریح کرده است. مقررات پکن نیز به حق کودک و نوجوان بر بهره‌مندی از خدمات مشاور حقوقی و معاضدت رایگان اشاره دارد. یکی از تضمین‌های اساسی به منظور تحقق حق دفاع متهم و اعمال اصل برابری سلاح میان طرفین دعوی، بهره‌مندی متهم از وکیل مدافع در مراحل تحقیقات مقدماتی می‌باشد. اصول ۳۵ و ۳۷ قانون اساسی به لزوم حقوق طرفین دعوا توجه دارد. اصل ۳۵ اشعار می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند؛ باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» بر اساس ماده ۵ قانون جدید آیین دادرسی کیفری متهم باید از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود و این مقرر شامل اطفال نیز خواهد شد. قانونگذار سابق در تبصره ذیل ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، در سه مورد حضور وکیل در مرحله تحقیق را استثناء نموده و آن را منوط به تجویز دادگاه دانسته است. لکن قانونگذار در سال ۱۳۹۲ در تصویب قانون جدید بسیاری از اشکالات قانون سابق را اصلاح نمود و در ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، حقوق دفاعی متهم را لحاظ نموده است که مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگ احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کسب حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم

بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود." بر اساس مواد ۳۴۷ و ۳۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.

### ۱-۳- مرحله رسیدگی و صدور حکم

اختصاصی شدن رسیدگی به بزهکاری اطفال همچنانکه اهداف خاصی را در پی دارد؛ دلایل و علل خاصی را نیز داشته است که ناشی از خصوصیات ویژه این نوع از بزهکاری بوده است. آنچه مسلم است شرایط، اوصاف دلایل و اهداف متفاوت این قبیل بزهکاری در عین حال که آن را از سایر جرائم ارتكابی عمومی متمایز می‌سازد، آگاهی از این اوصاف اختصاصی و نهایتاً دارا بودن تخصص متمایزی را اقتضاء می‌کند. (مهرا، ۱۳۸۲: ۵۶-۵۵) بر اساس همین ضرورت، نظام‌های حقوقی شرایط و اختصاصات ویژه‌ای برای دادرسی اطفال بزهکار پیش‌بینی کرده‌اند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها شرایط و نحوه انتخاب قاضی صادر کننده حکم و دیگری، نحوه مشارکت کارشناسان فنی و تخصصی در پروسه دادرسی است. (شاملو، ۱۳۹۰: ۱۸۳)

### ۱-۳-۱- اصول حاکم بر مرحله دادرسی

هدف اصلی از کشف، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی در رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان معارض با قانون، آموزش، اصلاح و تربیت و بازسازی شخصیت و ایجاد سازگاری در آنان با ارزش‌های اخلاقی-اجتماعی و مبانی دینی است؛ لذا در صورتی که قضات دادگاه اطفال و نوجوانان در خاتمه تحقیقات مقدماتی و دادرسی، ارتكاب جرم را احراز کنند، باید با لحاظ ضوابط و معیارهای شناخته شده اصول دادرسی ویژه اطفال مبادرت به اتخاذ تصمیم نمایند. حسب معیارهای مزبور تصمیمات اتخاذ شده در برابر رفتار کودکان و نوجوانان باید متناسب با شدت جرم ارتكابی، شخصیت و وضعیت خاص ایشان، فاقد شائبه آزارسانی و انتقام‌گیری باشد. قضات باید مواظب باشند که در سرانجام اجرای این تصمیمات، حس پرخاشگری و انتقام‌جویی و خصومت‌مداری کودکان و نوجوانان معارض با قانون را ایجاد یا تقویت نکنند. بند ۱ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک به صراحت اشاره دارد. طبق ماده ۱۷ از مقررات پکن، تحت عنوان اصولی راهنما در صدور حکم و اتخاذ تصمیم مفاداً به موازین مورد اشاره صراحت دارد.

### ۱-۳-۱- تفکیک دادگاه اطفال از بزرگسال

یکی از مواردی که در رابطه با رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان باید دقت داشت تفکیک دادگاه اطفال از بزرگسالان است. در سال ۱۳۳۸ با تصویب قانون «بزهکاری اطفال» موضوع آیین دادرسی افتراقی وارد نظام حقوقی ما شد یعنی دادگاه‌های خاص و مقررات خاصی برای شیوه رسیدگی به جرائم اطفال در این لایحه پیش‌بینی شد و نواقص قانون عمومی را در رابطه با مسئولیت تدریجی تا حدی جبران کرد. در سال ۱۳۵۸ با تشکیل دادگاه‌های عمومی موضوع آیین دادرسی تدریجی اطفال دستخوش تغییراتی شد زیرا به جرائم اطفال نیز باید در این دادگاه‌ها رسیدگی می‌شد و در سال ۱۳۶۱ با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ مسأله دادرسی افتراقی و مسئولیت تدریجی اطفال به طور کلی مغفول ماند و از آن پس برخوردی مشابه مجرمین بزرگسال با اطفال در دادرسی و تعیین مسئولیت صورت می‌گرفت زیرا در قوانین ماهوی (قانون مجازات اسلامی) مسأله مسئولیت تدریجی مورد توجه قرار نگرفته بود با این وصف مسأله دادرسی اطفال اعم از مسائل شکلی یعنی شیوه‌های رسیدگی، دادگاه‌های اختصاصی و مسائل ماهوی (مسئولیت کیفری) در نظام حقوقی ما مورد بی‌توجهی قرار گرفت. سرانجام پس از سال‌ها، تجربه نشان داد که برخورد با اطفال در رسیدگی به جرائم نسبت به بزرگسالان باید متفاوت باشد.

با توجه به فقدان مقررات ویژه که مسئولیت تدریجی اطفال با رویکرد افتراقی و تربیتی در آن لحاظ شده باشد، رسیدگی به این‌گونه جرائم براساس قانونی جامع ضرورت داشت. علاوه بر این، دادگاه‌ها، پلیس، زندان‌ها و سایر سازمان‌هایی که با افراد بزهکار سروکار دارند باید در مورد اطفال دارای ویژگی‌های خاصی باشند و آموزش‌های خاصی را دیده باشند و نیز شیوه برخورد با آن‌ها در طول رسیدگی و اجرای حکم باید متفاوت با بزرگسالان باشد. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقررات دقیق‌تری در زمینه رسیدگی به جرایم اطفال وضع شد. چرا که رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان به عهده دادگاه‌های اطفال سپرده شد، که دارای آیین دادرسی متفاوت از بزرگسالان هستند. بر اساس ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری جدید در حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان برحسب نیاز تشکیل می‌شود. از دیگر نهادهایی که در لوایح پیشنهادی رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان و آیین دادرسی کیفری برای اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شده است مربوط به اختصاص شعبه‌ای از دادگاه‌های تجدیدنظر، به تجدیدنظر آراء و تصمیمات دادگاه‌های اطفال است. اندیشه زیربنایی که پیش‌بینی اختصاص چنین

شعبی را تشکیل می‌دهد آن است که قضات دادگاه تجدیدنظر نیز همان دیدگاه افتراقی نسبت به بزهکاری اطفال را داشته و با دیدگاهی صرفاً حقوقی آراء و تصمیمات اتخاذ شده توسط دادگاه‌های اطفال را مورد تجدید نظر قرار ندهند. (غفوری فرد، ۱۳۹۲: ۱۵)

### ۱-۳-۱-۲- محدودیت در اعمال مجازات‌ها

دادرسی اطفال محدود به تحقیقات مقدماتی نبوده بلکه مقام قضایی باید در دادرسی این قشر ویژه مواردی را رعایت نماید که از مهم‌ترین موارد آن منع مجازات حبس، ممنوعیت مجازات‌های بدنی و الزام مقام قضایی به اتخاذ تصمیمات اصلاحی و تربیتی است.

### ۱-۳-۱-۲-۱- منع استفاده از حبس

در کشورهای مختلف طی سی و چند سال گذشته جایگزین‌های مجازات حبس، مجازات‌های اجتماعی و یا به عبارتی مجازات‌های غیر سالب آزادی به ویژه در مورد کودکان و نوجوانان بزهکار به صورت‌های مختلفی ظهور کرده و خود را نشان داده است. در حقوق ایران اقدامات غیر سالب آزادی جایگزین حبس با کشورهای دیگر مثل انگلستان تفاوت‌هایی دارد. در دادگاه‌های اطفال از اواخر سال ۱۳۷۸ و اوایل سال ۱۳۷۹ بعضی از قضات در آراء خود اقدام به صدور احکامی با محوریت اقدامات اجتماعی نمودند، که به نوعی مجازات جایگزین حبس تلقی می‌شود. این قضات با استناد به موادی از قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب ۱۳۷۰) اقدام به محکومیت اطفال زیر ۱۸ سال نمودند. این اقدام‌ها راهکاری مناسب و منطبق با اصول حقوقی مدرن در نظام حقوق کیفری ایران محسوب می‌شود. در این خصوص از جمله ضمانت اجراهایی که به عنوان جایگزین حبس در آراء دادگاه‌ها به کار رفته می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- انجام کار و خدمات رایگان در کانون اصلاح و تربیت و یا هر مکانی که کانون صلاح بداند.

- حبس خانگی به مدت چند ماه در منزل با نظارت کانون اصلاح و تربیت.

- فراگیری حرفه معین

این احکام از جمله مواردی هستند که در سال‌های اخیر مورد حکم دادگاه‌های اطفال قرار گرفته و جالب آنکه برخی از دادگاه‌ها علاوه بر استناد به قانون مجازات اسلامی سابق بعضاً به

کنونسیون حقوق کودک و نیز بخشنامه‌های قوه قضاییه دایر بر زندان‌زدایی استناد کرده‌اند. در اواخر سال ۱۳۷۹ قوه قضاییه با الهام از این رویه قضایی و نیز کنوانسیون حقوق کودک و قوانین و مقررات گذشته با همکاری عده‌ای از دانشگاهیان و قضات اقدام به تهیه پیش نویس قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان کرد. (مهر، ۱۳۸۲: ۲۲-۱۶)

### ۱-۳-۱-۲- ممنوعیت مجازات‌های بدنی

در عرصه سیاست جنایی ایران برای نخستین بار از رهگذر قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ از واکنش‌های سزاده برای پاسخ‌دهی به این دسته از بزهکاران استفاده گردید. مطابق ماده ۳۵ این قانون اطفال ممیز بالغ که به سن پانزده سال تمام نرسیده بودند، مرتکب جنحه یا جنایتی می‌شوند فقط به ده الی پنجاه ضربه شلاق محکوم می‌شدند. بنابراین امکان محکوم کردن شماری از کودکان و نوجوانان بزهکار به واکنش شلاق وجود داشت. البته؛ به این شرط که مرتکبان جرم زیر پانزده سال و یافته آنان از نوع جنحه و جرم ارتکاب یا جنایت باشد. این سیاست قانونگذار ایران بعدها به موجب قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ متأثر از آموزه‌های علمی کنار گذاشته شد. با وجود این نویسندگان قانون مجازات منسوخ ۱۳۷۰ شکل‌های متعددی از واکنش‌های سزاده را برای پاسخ دهی به کودکان و نوجوانان بزهکار مورد توجه قرار داده بودند. اگر چه اجرای شماری از این واکنش‌ها مانند قصاص نسبت به دسته‌ای از این بزهکاران امکان‌ناپذیر بود. اما با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تدوین نظام ضمانت اجراهای جداگانه برای کودکان و نوجوانان بزهکار به نظر می‌رسد صرفاً امکان بهره‌جستن از کیفرهای بدنی در خصوص بالغان کمتر از هجده سال مرتکب جرم‌های حد و یا قصاص پذیر، وجود دارد. زیرا، به موجب ماده ۹۱ این قانون در صورت ارتکاب جرم‌های مذکور از سوی این دسته و وجود رشد کیفری باید همان کیفرهای پیش‌بینی شده برای جرم‌های مستوجب حد و قصاص را به اجرا در آورد. (نیاز پور، ۱۳۹۳: ۱۸۲-۱۷۹)

### ۱-۳-۱-۲- الزام به اتخاذ تصمیمات اصلاحی و تربیتی

اگر چه مطابق قوانین کیفری، اطفال فاقد مسئولیت کیفری بوده و از مجازات معاف هستند با وجود این برای جلوگیری از بزهکاری مجدد آن‌ها و حمایت از جامعه در برابر گزند جرائم این افراد، لازم است که اقدامات موثری در جهت اصلاح و تربیت اطفال بزهکار به عمل آید. پاسخ‌های

اصلاحی و تربیتی را می‌توان پاسخ‌هایی دانست که هدف اصلاح اخلاقی را از طریق آموزش در مراکز ویژه اصلاح و تربیت دنبال می‌کند. در مورد پاسخ‌های اصلاحی و تربیتی قابل اعمال نسبت به اطفال بزهکار می‌توان، به مواردی چون مراجعه به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و همکاری با آنان، فرستادن طفل به یک موسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی، اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک، جلوگیری از معاشرت طفل یا نوجوان با اشخاصی که دادگاه ارتباط با آنها را منع می‌کند، جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین و ... اشاره کرد. البته باید دقت داشت که تدابیر مذکور باید توسط والدین یا سرپرست قانونی انجام شود. این رویکرد را شاید بتوان از جمله سنتی‌ترین رویکردهایی دانست که در زمینه پاسخ به بزهکاری اطفال وجود داشته است. (شاملو، ۱۳۹۰: ۲۰۷-۲۰۶)

قانونگذار ایرانی در قانون تشکیل دادگاه اطفال مصوب سال ۱۳۳۸ خورشیدی با اولویت دادن به امر اصلاح و تربیت اطفال، تدابیر اعزام به کانون اصلاح و تربیت را هم برای گروه سنی ۶ تا ۱۲ سال و هم برای گروه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال مقرر داشته است. این تدابیر با هدف بهبودی حسن اخلاق طفل مورد اشاره قرار گرفته و به صورت تسلیم به اولیاء یا سرپرست یا اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل و اعزام به کانون اصلاح و تربیت پیش‌بینی شده است. مطابق ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی جدید دادگاه در مورد اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنان در زمان ارتکاب نه تا پانزده سال تمام شمسی است یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان شامل معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان، فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی، اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک، جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه، جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین.

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه.

ت- اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم.

ث- نگهداری در قانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج.

تصمیمات بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.

قانونگذار در تبصره ۳ بند (ث) ماده ۸۸ قانون مجازات جدید این اختیار را به دادگاه اطفال و نوجوانان داده است تا با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل و نوجوان، بنا بر اقتضا در تصمیم خود تجدیدنظر کند. با مذاقه در مفاد ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری و تطبیق آن با ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، ملاحظه می‌شود که قانونگذار اقدامات تأمینی و تربیتی مشابه در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار در نظر گرفته است. این تمهیدات که در آیین دادرسی کیفری شکلی است، محدود و در قانون مجازات اسلامی، بنا بر اقتضای ماهوی بودنش، مبسوط و یادآور این نکته است، که قانونگذار ما علاوه بر قوانین شکلی، در قوانین ماهوی نیز جایگاه خاصی برای جرائم اطفال و نوجوانان قائل شده است. (مه‌بادی، ۱۳۹۳: ۲۰۳-۲۰۲) بنابراین ملاحظه می‌شود سیاست کیفری نسبت به بزرگسالان فرق داشته و قوانین جدید مقررهای در جهت حمایت از اطفال پیش‌بینی کرده‌اند.

### ۱-۳-۲- قواعد حاکم بر تجدیدنظرخواهی

شاید بتوان درباره آثار مثبت مجازات مجرمان تردید کرد، اما درباره آثار زیانبار مجازات محکومان بیگناه به هیچ وجه نمی‌توان تردید یا تأمل کرد. تجدیدنظر در احکام جزایی یکی از راه‌های پیشگیری از تحمیل مجازات به متهمان بیگناه و آثار زیانبار آن است. حتی در شرایطی که صلاحیت، استقلال و بیطرفی دادگاه محرز است و دیگر تدابیر و معیارهای مربوط به یک محاکمه عادلانه نیز رعایت شده، نمی‌توان ضرورت تجدیدنظر در احکام را نفی نمود؛ چرا که اشتباه قضائی یا قانونی دادگاه همیشه ممکن است، و همین امکان اشتباه به تنهایی برای توجیه چنین

ضرورتی کافی است. بر این اساس با پذیرش تجدید نظر به عنوان بخشی از فرآیند دادرسی عادلانه، قابل تجدیدنظر بودن آراء نیز بایستی به عنوان یک اصل مهم مورد قبول قرار گیرد. (منصورآبادی، ۱۳۸۴: ۷۷) پس چون این احتمال همیشه وجود دارد که آنچه دادگاه حکم می‌کند مطابق با واقع و قانون نباشد، لذا عدالت اقتضا دارد که امکان تجدیدنظر خواهی برای افراد فراهم گردد. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۶۸۵) تجدیدنظر روشی است که در پرتو آن امکان بازبینی آرای قضایی فراهم آمده و اعمال ضابطه‌مند آن اجرای عدالت و احراز واقع را بیش از پیش ممکن می‌سازد. با لحاظ خطاپذیری انسان، تجدیدنظر امری کاملاً ضروری است. البته از نظر مبنایی می‌توان مبنای این حق را در رعایت مواردی چون احتیاط در کشف حقیقت، تضمین بیطرفی در قضاوت، دقت در رسیدگی‌های قضایی و افزایش اعتماد و اطمینان مردم به دستگاه عدالت کیفری ملاحظه نمود. با این وصف، هر فرد محکوم به جرم کیفری، حق دارد که محکومیت و مجازات او توسط دادگاه عالی تر مورد تجدیدنظر و رسیدگی مجدد قرار بگیرد. تجدیدنظر خواهی به صراحت در بند ۵ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به این شکل پیش‌بینی شده است که: «هرکس به خاطر ارتکاب جرمی محکومیت یافته است حق دارد که محکومیت و مجازات او از سوی دادگاهی بالاتر موافق قانون مورد رسیدگی مجدد واقع شود». همچنین قسمت دوم ماده ۸۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز در این باره مقرر می‌دارد: «دادستان و یا محکوم علیه بر اساس عدم تناسب جرم و مجازات می‌توانند بر طبق ترتیبات مقرر در «آیین‌نامه دادرسی و ادله» نسبت به میزان مجازات تعیین شده تجدیدنظر خواهی نمایند.» کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر درباره این حق یا تضمین آن ساکت است، اما ماده ۲ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون چنین سکوتی را جبران نموده و به تصریح تمام از ضرورت مراعات حق تجدیدنظر محکومان سخن گفته است. مضاف بر آن از نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر، حق مزبور در حق دادرسی عادلانه مندرج در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نهفته است. ماده ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در خصوص تجدیدنظر نیز به مواردی اشاره داشته است. اما در مورد سیستم تجدیدنظر با توجه به وضعیت طفل و نوجوان باید گفت که این‌گونه مقرره‌ها در قوانین و لوایح جدید از نوآوری‌های است. (لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز قانونگذار آراء صادره از دادگاه‌های کیفری دو را قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان دانسته است و دادگاه مذکور مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آرای غیر قطعی کیفری است. (ماده

۴۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) مرجع دیگر تجدیدنظر، دیوان عالی کشور است که اعتراض به آرای صادره از دادگاه‌های کیفری یک در آن مرجع مورد بررسی قرار می‌گیرد. دادگاه تجدیدنظر در مرکز هر استان با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و عضویت دو مستشار تشکیل می‌شود. تفاوت اساسی تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان با دیوان عالی کشور در نحوه رسیدگی است. (مه‌بادی، پیشین: ۲۸۷) از آنجا که هدف مهم دادرسی اطفال بهبود وضعیت رفتاری آنان است، پاسخ‌هایی که به بزهکاری اطفال داده می‌شود همواره باید با میزان پیشرفت و بهبود رفتار آنان متناسب باشد. به همین خاطر است که احکام و تصمیمات اتخاذ شده در مورد اطفال از قابلیت تجدیدنظر مکرر توسط خود دادگاه صادرکننده برخوردار است.

#### ۱-۳-۲-۱- تجدیدنظر در تصمیمات توسط خود قاضی

مطابق ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که تکرار ماده هفدهم اصلاحی قانون تجدیدنظر آرای دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲ است و مطابق آن محکوم‌علیه می‌تواند از دادستان کل کشور رسیدگی احکام قطعی یافته هر یک از محاکم را که قابل درخواست تجدیدنظر بوده، از تاریخ ابلاغ حکم تا یک ماه درخواست نماید. دادستان کل کشور در صورتی که حکم را خلاف بین با شرع یا قانون تشخیص دهد از دیوان عالی کشور درخواست نقض می‌نماید و دیوان عالی کشور در صورت نقض، حکم رسیدگی را به دادگاه هم عرض ارجاع می‌دهد. رأی دادگاه در غیر موارد مذکور در ماده هجدهم (اشتباه قاضی یا عدم صلاحیت وی) غیر قابل اعتراض و درخواست تجدید نظر است؛ بنابراین شرایط اعمال ماده ۳۱ عبارت است از: درخواست محکوم‌علیه، قطعی بودن رأی، ادعای خلاف شرع یا قانون بودن آن، عدم انقضای بیش از یک ماه از مهلت تجدید نظر خواهی یا قطعیت حکم. (فرج‌الهی، ۱۳۸۱: ۲۶) بر اساس ماده ۳۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی دادگاه، سهو قلمی مانند کم یا زیاد شدن کلمه‌ای رخ دهد و یا اشتباهی در محاسبه صورت گیرد، چنانچه رأی قطعی باشد یا به علت عدم تجدیدنظرخواهی و انقضای مواعد قانونی، قطعی شود یا هنوز از آن تجدیدنظرخواهی نشده باشد، دادگاه خود یا به درخواست ذینفع یا دادستان، رأی تصحیحی صادر می‌کند. رأی تصحیحی نیز ابلاغ می‌شود. بر اساس تبصره ۱ ماده فوق‌الذکر، در مواردی که اصل رأی دادگاه قابل وخواهی، تجدیدنظر یا فرجام است، تصحیح آن نیز در مدت قانونی، قابل وخواهی، تجدیدنظر یا فرجام می‌باشد. موارد فوق‌الذکر در مورد پرونده‌های اطفال نیز جاری است.

### ۱-۳-۲- تجدیدنظر و فرجام از آرای مربوط به دادگاه اطفال

بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان، شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان است که مطابق با شرایط مقرر در این قانون و با ابلاغ رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود. مرجع فرجام خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، دیوان عالی کشور است. (ماده ۴۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)

این نکته را نیز باید متذکر شد که آرای دادگاه اطفال و نوجوانان در تمامی موارد قابل تجدیدنظر خواهی است. (ماده ۴۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) اضافه بر این درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان را می‌توان به سه مرجع ذیل تقسیم کرد:

الف- دفتر دادگاه صادر کننده حکم؛

ب- دفتر دادگاه تجدیدنظر استان؛

ج- دفتر کانون اصلاح و تربیت "در صورتی که طفل در کانون نگهداری شود". (ماده ۴۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)

از این نکته نیز نباید غافل شد که اشخاص زیر می‌توانند از آرای صادره از دادگاه اطفال و نوجوانان تجدیدنظر خواهی کنند:

الف- سرپرست قانونی طفل یا وکیل او؛

ب- نوجوان، سرپرست قانونی یا وکیل او؛

ج- مدعی خصوصی از حیث ضرر و زیان، براثت، قرار منع یا موقوفی تعقیب، تعلیق تعقیب و یا قرار بایگانی کردن پرونده. (ماده ۴۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)

### ۱-۴- مرحله اجرای حکم

مرحله اجرای حکم در فرآیند کیفری اهمیت بسیاری دارد. زیرا، در این مرحله است که سرنوشت

دعوی کیفری و تلاش‌های صورت گرفته در مرحله دادرسی به نتیجه می‌رسد. در گستره حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، این مرحله از حساسیت بیشتری برخوردار است. به این جهت که کودکان و نوجوانان بزهکار در مرحله رشد و پرورش قرار دارند و اتخاذ هر گونه تصمیم در مرحله اجرای حکم می‌تواند در آینده رفتاری آنان تأثیرگذار باشد.

#### ۱- ۴- ۱- پاسخ‌های پیشگیرانه و اجتماعی

در جوامع کنونی بحث جرم‌شناسی و یافتن راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم کودکان اهمیت بسیاری دارد. امروزه کیفر رکن اساسی در سیاست جنایی محسوب نمی‌شود بلکه در سیاست جنایی به مفهوم موسع آن مقوله "پیشگیری از جرم"<sup>۱</sup> جایگاه ویژه‌ای دارد. به طور کلی پیشگیری به عنوان یکی از سیاست‌ها و اقدامات اساسی در حوزه کنترل جامعه محسوب می‌شود. این سیاست به کلیه اقدامات و راهکارهای مستقیم و غیر مستقیم بازدارنده از وقوع جرم و انحراف و کژروی معطوف می‌باشد و از این جهت یک "سیاست پیشینی" است که در برابر انواع مجازات‌ها و اقدامات تامینی و ترتیبی که "سیاست پسینی" است قرار می‌گیرد و از آن کارآمدتر و موثرتر و از نظر هزینه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز به صرفه‌تر است. (اسحاقی، ۱۳۸۲: ۲) مؤلفه‌های این مفهوم را می‌توان به شرح ذیل بر شمرد:

۱- اقدام پیشگیرانه تدبیری است که قهرآمیز یا سرکوبگر نباشد. بنابراین، ضمانت اجرای کیفری، چه با سزادهی یا اصلاح یا بازپروری و ... از گستره مفهوم جرم‌شناسانه پیشگیری خارج است؛

۲- اقدام پیشگیرانه اگر به ریشه کنی جرائم نیانجامد، باید از شمار آن بکاهد، به دیگر سخن پیشگیری از جرم در بردارنده تدابیری است که بر "فرایندگذار اندیشه مجرمانه به فعل" تأثیر بگذارد؛

۳- اقدام پیشگیرانه تدبیری است که به طور مستقیم به پیشگیری اختصاص یافته باشد. بنابراین، اثر نهادهایی چون "آموزش و پرورش" را تنها به طور غیر مستقیم و در کنار دیگر تدابیر و ابزارهای می‌توان پیشگیرنده به شمار آورد.

۴- بر اقدام پیشگیرانه موقعیت‌ها و شرایط محیطی نیز مؤثر است. یعنی پیشگیری باید همزمان در بردارنده فرد و محیط پیرامون او باشد. (اسحاقی، ۱۳۸۲: ۲)

در پیشگیری اجتماعی برای ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی که منجر به اصلاح جامعه و فرد و همچنین منجر به جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی می‌گردد، تاکید شده است. در پیشگیری اجتماعی از طریق آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه افراد جامعه سعی در یادگیری و فهم ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها است تا فرد بتواند عملکرد خود را مورد ارزیابی قرار دهد.

#### ۱- ۴- ۱- ۱- پاسخ‌های پیشگیرانه

تردید نیست که بزهکاران در به جریان انداختن فرایند عدالت کیفری نقش مهمی ایفا می‌کنند. عدالت کیفری به طور کلی مفهومی در بردارنده نهادها یا کارگزاری‌های پاسخ‌گو در برابر حفظ و پشتیبانی از نظم و اجرای عدالت است. این نهادها و کارگزاری‌ها عبارت‌اند از پلیس، مقام‌ها و مراجع پیگرد، دادگاه‌های کیفری و دیگر نهادها و یا کارگزاری‌های اصلاحی و تربیتی - مانند مراکز خدمات تعلیق مراقبتی، کانون اصلاح و تربیت و سازمان زندان‌ها - که حرکت چرخ‌های نظام عدالت کیفری را تداوم می‌بخشد. البته در مفهومی گسترده، عدالت کیفری را می‌توان در بردارنده همه فرایندهایی دانست که با هدف اجرای عدالت به جرم پاسخ می‌دهند و از آنجا که در کنار دستگاه قضایی و پلیس، نقش قانون‌گذار نیز در آن بسیار مهم و اساسی است. مرحله‌ی قانون‌گذاری و جرم‌انگاری را نیز می‌توان به منزله نخستین سطح عدالت کیفری به شمار آورد. به دیگر سخن، عدالت کیفری شامل حقوق ناظر بر تعیین جرم و مجازات و هم در برگیرنده قواعد و مقررات ناظر بر رسیدگی جرم‌ها و مجازات‌های قانونی تعیین شده است. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۰۱) اجرای عدالت تنها در گرو به کیفر رساندن بزهکار بر پایه دادرسی عادلانه نیست، بلکه نیازمند به رسمیت شناختن بزهکار و حقوقی برای او در چارچوب یک رفتار منصفانه است که ضمن رعایت حقوق متهمان، با تعیین گناه کاری یا بی گناهی آنان، حقوق و نیازهای بزهکاران را نیز در نظر بگیرد. پاسخ‌های پیشگیرانه نسبت به جرائم اطفال به سه گروه پیشگیری قضایی، پیشگیری تقنینی و پیشگیری اجرایی تقسیم می‌شود.

#### ۱- ۴- ۱- ۱- ۱- پیشگیری با معیارهای تقنینی

در این حوزه نقش قانونگذاری در تدوین قوانین حمایتی در قلمرو ماهوی و شکلی قابل بررسی است. کودکان در فرآیند عدالت کیفری نیازمند قوانین و تدابیری هستند که از آنها در جریان دادرسی و اجرای احکام کیفری حمایت کند. همین‌طور در مورد قوانین ماهوی باید تدابیری اندیشیده شود تا از کودکان در مقابل بزه دیدگی حمایت شود. در ایران پیشگیری از بزهکاری کودکان، از رهگذر معیارهای تقنینی، ناظر به جرم‌انگاری حمایتی (شامل جرم‌انگاری‌های رفتارهای آسیب‌زا)، کیفرگذاری<sup>۱</sup> حمایتی (اعمال کیفرهای مناسب به حال طفل) و سرانجام؛ پیش‌بینی ساز و کار جبران<sup>۲</sup> آثار ناشی از بزه (ناظر به جبران آثار مادی و جبران آثار معنوی) است که سه ضلع مثلث حمایت خاص کودکان را در حقوق کیفری ماهوی تشکیل می‌دهند. مؤلفه‌های مذکور به دنبال یکدیگر و جهت حمایت از کودک مورد توجه است. اتخاذ سیاست حمایتی در یک ضلع مثلث، نمی‌تواند به اهداف خود نائل شود. پیشگیری از بزهکاری کودکان در این مرحله، علاوه بر اتخاذ سیاست‌های خاص جرم‌انگاری و به تبع آن کیفرگذاری حمایتی، تأکید اساسی بر سازوکار جبران است. (زینالی، ۱۳۸۴: ۵۸)

#### ۱- ۴- ۱- ۱- ۲- پیشگیری با معیارهای قضایی

پیشگیری قضایی ناظر به اعمال سیاست‌هایی است که از بزهکاری کودکان در مرحله اجرای حکم پیشگیری می‌کند. در مرحله صدور حکم، قاضی پرونده باید نسبت به بزهکار، به جهت نوع جرم که از جرائم شدید محسوب می‌شود، کیفر متناسب را تعیین و مورد حکم قرار دهد. بنابراین، پیش‌بینی نظام ضمانت اجراهای خاص در این زمینه ضروری است. حکمی که برای کودک صادر می‌شود باید در مرحله اول متضمن عالی‌ترین منافع کودک باشد و در مرحله بعدی جهت جلوگیری از آسیب‌ها و صدمات، دوباره تعیین شود و در آخر با سازوکارهای جبران آثار (شامل آثار مادی و معنوی) و سپردن وی به مکانی که مصلحت طفل همراه باشد، همسو شود. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۲۵) تشکیل پرونده شخصیت در مرحله رسیدگی در دادگاه، می‌تواند در نوع احکام صادره توسط قاضی مؤثر باشد. با توجه به پرونده شخصیت کودک که در بردارنده اطلاعاتی از وضعیت فردی و اجتماعی کودک است، می‌توان در جهت عالی‌ترین منافع کودک مبادرت به

1- Penalization

2- Reparation

صدور حکم کرد. در این مرحله باید حفظ حریم خصوصی کودک، عالی‌ترین مافع وی و معیارهای پیشگیری خاص برای جلوگیری از تکرار بزهکاری طفل، مورد توجه قرار گیرد. همچنین باید خود کودک - در صورت اقتضا- در انتخاب نوع حکم صادره مشارکت داشته باشد. اضافه بر این اگر حکمی مبنی بر جدا کردن کودک از خانواده و نگهداری وی در نهادهای شبه خانواده و یا خانواده‌های دیگر صادر شود، باید نظارت کافی بر وضعیت کودک به عمل آید به این ترتیب، در جهت سیاست‌های بازپرورانه، باید سازوکارهای خاصی را پیش‌بینی کرد تا عالی‌ترین منافع کودک، حتی پس از جدایی وی از خانواده، مورد لحاظ قرار گیرد. نظارت بر وضعیت کودک باید به صورت دوره‌ای و توسط اشخاص خاصی صورت گیرد که دادگاه تعیین می‌کند. این نظارت مشمول احکام جدایی موقت از خانواده، احکام مبنی بر جبران خسارت از کودک و احکام ناظر بر درمان وی نیز می‌شود. (عباچی، ۱۳۸۰: ۱۵-۳)

#### ۱-۴-۱-۱-۳- پیشگیری با معیارهای اجرایی

پیشگیری اجرایی از بزهکاری کودکان، ناظر به نهادهای اجرای حکم دادگاه و همچنین نهادها و سازمان‌های خدماتی، درمانی و حمایتی است که در حین اجرای حکم ممکن است کودک به آن نهادها ارجاع شود. علاوه بر نحوه برخورد پلیس و مقام و مرجع قضایی با طفل، نوع رفتار مقامات و مسئولین نهادها یا مؤسساتی که کودکان بزهکار در آن جا نگهداری می‌شوند می‌تواند مهم باشد. کودکی که به لحاظ خشونت وارده از سوی خانواده مجبور به ترک این نهاد بوده و به اجبار در مکان‌ها و نهادهای دیگری نگهداری می‌شود. باید با رفتار صحیح و منطقی مواجه شود. چنین کودکی دچار تخریب شخصیتی بوده و به لحاظ اعمال روش‌های اصلاح و بازپروری است که وی را خارج از خانواده نگهداری می‌کند تا طفل را علاوه بر سازگاری مجدد، از احتمال بزه دوباره از سوی خانواده دور کنند. حال اگر چنین رفتاری از سوی مقامات و مسئولین این نهادها و مؤسسات جایگزین اعمال شود، تکرار بزه دیدگی کودکان، آن هم به شکل مخرب‌تری، می‌تواند به وجود آید. ایجاد نهادهای استاندارد جهت نگهداری کودکان بزهکار و آموزش کارکنان در این مقوله مورد بررسی خواهد بود. نهادهایی که در خصوص حمایت از کودکان بزهکار و از طریق ارائه خدمات، فعالیت می‌کنند، به عنوان مهم‌ترین نهادها جهت کاهش آسیب‌های وارده (مادی، معنوی، روانی، عاطفی و جسمی) بر کودک بزهکار، مطرح هستند. از جمله این نهادها می‌توان به مراکز ارائه خدمات پزشکی، روان‌پزشکی، مشاوره و روان‌شناسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی اشاره کرد.

به نظر می‌آید که چنین مؤسساتی باید تحت نظارت قرار گیرد تا احتمال هر گونه تخطی در این زمینه کاهش یابد. (عباچی، ۱۳۹۶: ۲۵)

#### ۱- ۴- ۱- ۲- پاسخ‌های اجتماعی

منظور از این پاسخ‌ها، پاسخ‌هایی هستند که با مشارکت جامعه مدنی و با هدف آموزش اجتماعی اطفال و نوجوانان بزهکار اعمال می‌شود. در این رویکرد، دادرسی رسمی کیفری و تماس کودک یا نوجوانان با نظام قضایی اجتناب می‌شود، اقدامات جایگزین متمرکز بر حل و فصل منازعات به روش‌های مسالمت‌آمیز و دوری از خشونت و آگاهی‌بخشیدن به کودک یا نوجوان نسبت به قبح رفتار خود و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در اوست. این روش‌ها که در نظام حقوقی کشورهای رو به گسترش است، در خصوص جرائم کوچک و متوسط و مشروط به اعتراف کودک یا نوجوانان و فاقد سابقه سوء او اعمال گردیده و کارآمدی مناسبی از خود بروز داده‌اند. نکته شایان توجه اقدامات جایگزین یا پاسخ‌های اجتماعی، این است که قاضی باید بتواند همکاری گسترده‌ای با کلیه‌ی افراد مرتبط با دادرسی از قبیل پلیس، دادستان، مددکار اجتماعی، وکلا، خانواده‌ها، کارکنان زندان‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی دولتی داشته باشد و این امکان توسط قانونگذار برای قاضی پیش‌بینی شود. در ماده ۱۱ مقررات پکن و قسمت ب بند ۳ ماده ۴۰ معاهده حقوق کودک بر ضرورت پیش‌بینی اقدامات جایگزین در نظام قضایی تاکید شده است. پاسخ‌های اجتماعی یا اقدامات جایگزین که امروزه مورد توجه است و نسبت به اطفال بزهکار اعمال شود شامل میانجیگری، تعلیق تعقیب، تعویق صدور رأی، حبس خانگی، حبس پایان هفتگی، آموزش مهارت و به کارگیری مهارت بزهکار، توبیخ و مراقبت، ارائه خدمات عام المنفعه و ... است

پژوهش‌های انجام شده در خصوص تأثیرگذار بودن این گونه پاسخ‌ها نسبت به اطفال بزهکار نشانگر موفقیت این اقدامات جایگزین است. (خواجه نوری، ۱۳۸۶: ۱۳۲-۱۲۹) بنابراین شایسته است قانونگذار ایرانی نیز تلاش لازم را در راستای استفاده هر چه بیشتر از این اقدامات مورد توجه قرار دهد.

#### ۱- ۴- ۲- پاسخ‌های اصلاحی و تنبیهی

پاسخ‌های اصلاحی و تربیتی را می‌توان پاسخ‌هایی دانست که هدف اصلاح اخلاقی را از طریق

آموزش در مراکز ویژه اصلاح و تربیت دنبال می‌کند. این رویکرد را شاید بتوان از جمله سنتی‌ترین رویکردهایی دانست که در زمینه پاسخ به بزهکاری اطفال وجود داشته است. از سوی دیگر باید در نظر گرفت که قانونگذار در مورد کودکان و نوجوانان نیز پاسخ‌های تنبیهی در نظر گرفته است.

### ۱- ۴- ۲- ۱- پاسخ‌های اصلاحی

هرگاه جرمی ارتکاب یابد برای جبران خسارت وارده و نیز حمایت از نظم عمومی و ایجاد عدالت و نهایتاً بازگشت مجرم به جامعه تحصیل مجازات توسط مرتکب جرم ضروری است. از جمله ویژگی‌های این نوع پاسخ‌ها ارباب فردی و جمعی است. (رولان، ۱۳۸۴: ۲۸) اگر چه مطابق قوانین کیفری، اطفال فاقد مسئولیت کیفری بوده و از مجازات معاف هستند با وجود این برای جلوگیری از بزهکاری مجدد آن‌ها و حمایت از جامعه در برابر گزند جرائم این افراد، لازم است که اقدامات موثری در جهت اصلاح و تربیت اطفال بزهکار به عمل آید.

پس از صدور حکم و اعزام اطفال به کانون اصلاح و تربیت وی مانند دیگر مددجویان مقیم در کانون اصلاح و تربیت مورد پذیرش در قسمت‌های مختلف قرار گرفته و به قسمت‌های مربوطه فرستاده می‌شود تا در صورت لزوم حرفه آموزشی، و مورد آموزش قرار گیرد و یا در صورت ارائه خدمات مربوط به توافق مسئول واحد، ساعت حضور فرد مشخص شود و در طول ساعات مشخص شده فرد موظف به حضور و انجام وظیفه محوله باشد و در ساعات حضور فرد در کانون با وی مانند دیگر مددجویان کانون رفتار می‌شود و در صورت داشتن مشکل جسمی یا روانی و یا حقوقی، فرد می‌تواند از خدمات قسمت قضایی، مددکاری، روان‌شناسی، بهداری و... بهره‌مند شود. در مورد مددجویانی که محکوم به حبس در خانه هستند، مددکار اجتماعی با هماهنگی واحد قضایی تا پایان مدت محکومیت هر هفته چند بار به منزل مددجو رفته و از نزدیک با مشکلات مددجو و خانواده برخورد نموده و در صورت لزوم به آن‌ها کمک‌های لازم را می‌نماید و همچنین در طول روز تا پایان محکومیت به طور متناوب با خانواده مددجو تماس تلفنی برقرار می‌شود تا ضمن اطلاع از حضور مددجو از مشکلات وی آگاه شوند. (باصری، ۱۳۸۷: ۱۱۶)

قانونگذار ایرانی در قانون تشکیل دادگاه اطفال مصوب سال ۱۳۳۸ خورشیدی با اولویت دادن به امر اصلاح و تربیت اطفال، تدبیر اعزام به کانون اصلاح و تربیت را هم برای گروه سنی ۶ تا ۱۲ سال و هم برای گروه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال مقرر داشته است. این تدبیر با هدف بهبودی حسن

اخلاق طفل مورد اشاره قرار گرفته و به صورت تسلیم به اولیاء یا سرپرست با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل و اعزام به کانون اصلاح و تربیت را هم برای گروه سنی ۶ تا ۱۲ سال و هم برای گروه سنی ۱۲ تا ۱۶ سال مقرر داشته بود. بر اساس تبصره ۲ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی سابق تدابیر اصلاحی به صورت تنبیه بدنی اطفال توسط والدین یا به حکم دادگاه مورد توجه واقع شده است. در مورد پاسخ‌های اصلاحی و تربیتی قابل اعمال نسبت به اطفال بزهکار می‌توان به مواردی چون مراجعه به مددکار اجتماعی یا روانشناس و همکاری با آنان، فرستادن طفل به یک موسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی، اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک، جلوگیری از معاشرت طفل یا نوجوان با اشخاصی که دادگاه ارتباط با آنها را منع می‌کند، جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین و ... تدابیر مذکور باید به توسط والدین یا اولیاء و یا سرپرست قانونی انجام شود. (شاملو، ۱۳۹۰: ۲۰۹-۲۰۱)

#### ۱- ۴- ۲- ۲- پاسخ‌های تنبیهی

در زمینه واکنش‌های تنبیهی نیز باید گفت: در حقوق موضوعه ایران در دوره‌های مختلف قانونگذاری واکنش‌های تنبیهی گوناگونی مقرر شده است. در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ خورشیدی، برای کودکان و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال در صورت ارتکاب کلیه جرائم، مجازات بدنی شلاق ۱۰ تا ۵۰ ضربه و برای نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ سال در صورت ارتکاب جنایت، حبس در دارالتادیب تا ۵ سال و در صورت ارتکاب جنحه، حبس زیاده از نصف حداقل و کمتر از نصف حد اعلائی مدت مقرر برای مرتکب بزرگسال مقرر شده بود. قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ خورشیدی و اصلاح قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ خورشیدی، صرفاً واکنش تنبیهی نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را بر حسب نوع جرم ارتكابی و سطوح مختلف سنی پیش‌بینی کرده بود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ خورشیدی با معیار حد بلوغ شرعی برای دختران ۹ سال قمری و پسران ۱۵ سال قمری، چهار واکنش تنبیهی شامل نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، تنبیه بدنی به نحو مطلق و ضمان عاقله و جبران خسارت پیش‌بینی نموده است. (زینالی، ۱۳۸۸: ۷۵)

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز سلب آزادی برای پاسخ‌دهی به شماری از کودکان و نوجوانان بزهکار شناسایی شده است. به این صورت که مطابق تبصره ۱ ماده ۸ اساساً استفاده از

این واکنش نسبت به کودکان و نوجوانان بزهکار زیر ۱۲ سال ممنوع بوده و بر این اساس مقام‌های قضایی نمی‌توانند این دسته بزهکاران را به این پاسخ محکوم کنند. به موجب این تبصره تصمیمات مذکور در بندهای ت و ث فقط درباره اطفال و نوجوانان ۱۲ تا پانزده سال قابل اجرا است. بنابراین، نظام عدالت کیفری، با توجه به بند ث ماده مذکور می‌تواند در صورت ارتکاب جرم‌های تعزیری درجه یک تا پنج نسبت به محکوم ساختن کودکان و نوجوانان دوازده تا پانزده سال به سلب آزادی در کانون اصلاح و تربیت تصمیم‌گیری نماید.

علاوه بر این، مطابق تبصره ۲ این ماده این دسته از کودکان و نوجوانان چنانچه مرتکب جرم‌های دارای کیفر حد و قصاص شوند، می‌توانند مشمول تدابیر سالب آزادی قرار گیرند. بر اساس تبصره مذکور: "هر گاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد، در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد، به یکی از اقدامات مقرر در بندهایت و ث محکوم می‌شود..." به این سان، ارتکاب جرم‌های مستوجب مجازات قصاص یا حد زمینه‌ای برای استفاده از واکنش‌های سلب‌کننده آزادی در برابر کودکان و نوجوانان بزهکار دارای سن دوازده تا پانزده سال فراهم می‌آورد. بنابراین، به موجب این سیاست بهره‌گیری از تدابیر سالب آزادی نسبت به کودکان و نوجوانان بزهکار زیر دوازده سال؛ خواه مرتکب جرم‌های تعزیری و خواه مرتکب جرم‌های دارای کیفر حد یا قصاص؛ مطلقاً امکانپذیر نمی‌باشد. (نیازپور، ۱۳۹۳: ۱۹۷-۱۹۶)

با وجود این، قانونگذار ایران برای پاسخ دهی به نوجوانان بزهکار دارای سن پانزده تا هیجده سال استفاده از این واکنش را به رسمیت شناخته است. مطابق ماده ۸۹: درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان

۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی

۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محله‌ای معین»

این موارد به قسمت اول مربوط می‌شد که بیان شد که طفل به پدر و مادر تحویل داده می‌شود و از آن‌ها تعهد گرفته می‌شود. اما قسمت دوم شامل موارد ذیل است:

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بدانند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن‌ها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی در تبصره آن نیز آمده است تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه.

ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم.

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج.

علاوه براین، ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز درباره حقوق کودکان از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا تاکید می‌کند: "دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آن‌ها نیست."

بنابراین در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با پذیرش مسئولیت تدریجی اطفال و نوجوانان و درجه‌بندی جرائم تعزیری، شاهد تحولات زیادی هستیم. این تحولات در دو بخش جرائم تعزیری و حدود و قصاص قابل توجه است. در مورد جرائم تعزیری در مورد کودکان زیر ۹ سال مرتکب این جرائم، فقط اقدامات تأمینی و تربیتی اتخاذ می‌شود. در خصوص کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال (دوره دوم و سوم) تصمیم‌هایی برای اصلاح و تربیت آنان با تأکید بر مسئولیت والدین و دیگر سرپرستان قانونی، گرفته می‌شود که از جمله؛ واگذاری کودک به والدین و سرپرستان قانونی با اخذ تعهد به تأدیپ و تربیت کودک و نوجوان یا در صورت صلاحیت نداشتن والدین، واگذاری کودک به افراد یا مؤسسات دیگر قابل ذکر است. البته در این مورد مقررات مربوط به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، در مورد سلب حضانت از والدین نیز باید رعایت شود. در مورد نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال نیز، ماده ۸۹ تکلیف را روشن کرده و براساس آن در صورت ارتکاب جرائم تعزیری از سوی این گروه، مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی و ارائه خدمات عمومی برای آنان در نظر گرفته شده است. یعنی در قانون جدید ضمن طبقه‌بندی جرائم تعزیری به درجه‌های مختلف، برای هر دوره سنی از کودکان درجه‌هایی از این نوع مجازات اعمال می‌شود.

در مورد جرائم دارای حد و قصاص نیز باید گفت که به موجب تبصره ۲ ماده ۸۸، در مورد اطفال مذکور ۱۲ تا ۱۵ و قبل آن یعنی ۹ تا ۱۲، نیز همان تصمیم‌های مندرج در ماده ۸۸ اتخاذ می‌شود. قابل تجدیدنظر بودن این تصمیم‌ها از سوی دادگاه اطفال هر چند بار که مصلحت کودک اقتضا کند، قابل تبدیل بودن مجازات نگهداری در کانون و جزای نقدی به مواردی دیگر که به مصلحت کودک و نوجوان باشد، قابل تبدیل بودن مجازات حدود و قصاص به جرائم تعزیری در مورد کودکان بالغ کمتر از ۱۸ سال در صورت شبهه در کمال عقل و رشد کودکان، از جمله موارد مهم و قابل توجه در قانون جدید است.

### نتیجه‌گیری

اختصاصی شدن رسیدگی به بزهکاری کودکان و نوجوانان همچنان که اهداف خاصی را در پی دارد، دلایل و علل خاصی را نیز داشته است که ناشی از خصوصیات ویژه این نوع از بزهکاری بوده است. آنچه مسلم است شرایط، اوصاف، دلایل و اهداف متفاوت این قبیل بزهکاری در عین

حال که آن را از سایر جرائم ارتكابی عمدی متمایز می‌سازد، آگاهی از این اوصاف اختصاصی و نهایتاً دارا بودن تخصص متمایزی را اقتضا دارد. بر اساس همین ضرورت، نظام‌های حقوقی، شرایط ویژه‌ای برای دادرسی اطفال بزهکار پیش‌بینی نموده‌اند که از این حیث مهم‌ترین آن‌ها ایجاد پلیس ویژه اطفال، وظایف ضابطان دادگستری و وظایف بازپرس و قاضی صادر کننده حکم و دیگری، نحوه مشارکت کارشناسان فنی و تخصصی و سازمان‌های مردم نهاد در پروسه دادرسی است. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ با توجه به فقدان حکم خاص در برخی موارد امکان اعمال مقررات عمومی نسبت به اطفال وجود داشت. اما در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار تشریفات ویژه‌ای را برای تحقیقات مقدماتی، محاکمه و نحوه اجرای تصمیمات قضایی مربوط به کودکان و نوجوانان تعریف کرده است. قانون جدید نوعی دادرسی افتراقی برای اطفال بزهکار و اشخاص کمتر از ۱۵ سال و کودکان بالغ کمتر از ۱۸ سال تدارک دیده است که جنبه انعطاف پذیر و سریع دارد و به گونه‌ای است که قاضی بر اساس آن‌ها بیشتر به دنبال بازپروری و تربیت طفل است تا مجازات آن، به علاوه در مورد جرائم افراد زیر ۱۵ سال، وظایف تحقیق و دادرسی را یک قاضی انجام می‌دهد به طوری که بازپرس حق تحقیق ندارد و همه وظایف بازپرس توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود و البته نهادهای مردم نهاد، خانواده و والدین در کلیه مراحل فرایند کیفری حضور داشته و با نظام عدالت کیفری همکاری می‌کنند. بنابراین، در دادرسی حمایتی اطفال و نوجوانان بزهکار رسیدگی مقدماتی از جمله تعقیب و تحقیق توسط دادرسی یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می‌گیرد و دادگاه کلیه وظایفی که برابر قانون به عهده ضابطان دادگستری است را راسا انجام می‌دهد. بنابراین مشاهده می‌شود که دادرسی اطفال به سمت نوعی حمایت از کودکان و نوجوانان پیش می‌رود که نمود آن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و سایر قوانین و لوایح تقدیمی به مجلس ظاهر شده است.

با این مقدمه می‌توان گفت که تصویب قوانین جدید مانند قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحول دو حوزه حقوق کیفری ماهوی اطفال و نوجوانان و دادرسی ویژه آنان را شامل می‌شود. در زمینه حقوق کیفری اطفال و مسائل ماهوی مربوط به آن مسأله مسئولیت کیفری و متنوع کردن پاسخ‌های در نظر گرفته شده برای بزهکاری اطفال مورد توجه قرار گرفته است. در این حوزه با توجه به ارتباط آن با مقررات شرعی، تدوین کنندگان این قانون از تغییر در معیارهای شرعی مربوط به مسئولیت تجدیدنظر نکرده، ولی سعی نموده‌اند که از طریق

دسته‌بندی سنی اطفال و متناسب کردن اقدامات موردنظر با شرایط سنی آنان، از تبعات منفی پایین بودن سن مسئولیت کیفری در ایران جلوگیری کنند. توضیح آن‌که، تعیین سن بلوغ به‌عنوان سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان آنان را در معرض اعمال مجازات کیفری سنگین چون اعدام، حبس ابد و غیره قرار می‌دهد. علاوه بر این عدم پیش‌بینی پاسخ‌های متناسب با رشد تدریجی اطفال و نوجوانان، زمینه را برای اعمال پاسخ‌های کیفری یکسان برای آنان فراهم آورده است.

اما در قسمت دادرسی اطفال نیز سعی شده است که با در نظر گرفتن مقررات بین‌المللی در این مورد، تجربه سایر کشورها و نیز گرایش‌های موجود در زمینه دادرسی اطفال و نوجوانان، زمینه تدوین یک دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در ایران فراهم آید. در مقررات مربوط به دادرسی رهیافت‌های تربیتی - ترمیمی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. با وارد ساختن اندیشه‌های ترمیمی در مقررات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ سعی شده است که از توسل بی‌رویه به مجازات حبس در کانون اصلاح و تربیت جلوگیری شود. زیرا هر چند که نگهداری یا حبس در کانون اصلاح و تربیت پاسخی تربیتی است، اما همین محیط بسته کانون زمینه را برای برخی آسیب‌های احتمالی به اطفال و نوجوانان فراهم می‌آورد. حال آنکه در رویکرد ترمیمی پاسخ‌های آموزشی و تربیتی در بستر اجتماع به اجرا در می‌آیند. اتخاذ تدابیر ترمیمی در قانون جدید کیفری از نقاط قابل توجه و مهم آن است. قابل ذکر است که در این قانون جدید در تطبیق با قوانین کشورهای پیشرفته، تا حدودی ضعف قوانین گذشته رفع شده است اما نیازمند تصویب قوانینی بدون نقص و با حمایت همه جانبه از این قشر آسیب پذیر هستیم. چرا که تصویب یک قانون کامل در حمایت از کودکان و نوجوانان می‌تواند تا حدود زیادی حقوق این قشر آسیب پذیر را تضمین کند.

یکی از مواردی که در دادرسی اطفال مهم می‌نماید حضور کارشناسان غیر حقوقی است. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ این ضرورت، مسکوت و مغفول باقی مانده است اگر چه بر حسب اقتضا استفاده و ارجاع به نظریات کارشناسان متخصص مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. اما در قانون جدید آیین دادرسی کیفری به صورت قابل قبول‌تری ضرورت استفاده از نظرات کارشناسان مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دادگاه اطفال از یک قاضی و دو نفر مشاور تشکیل می‌شود. بنابراین این قانون برای اولین بار به نیاز دادگاه‌های اطفال به استفاده از نظرات کارشناسان غیر حقوقی تأکید ورزید، همانطور که در این ماده آمده است دادگاه اطفال از دو مشاور تشکیل می‌شود که این امر نشان

دهند اهمیت نظرات آن‌ها است، هر چند که بر اساس شق آخر ماده ۲۹۸ نظرات مشاوران برای قاضی دادگاه اطفال الزام آور نبوده و حالت مشورتی دارد. ابتدا باید گفت که بر خلاف قانون سال ۱۳۷۸ که وظایف کشف جرم و تحقیقات مقدماتی اطفال به ضابطان دادگستری سپرده شده بود یکی از نهادهای جدیدی که در زمینه کشف جرم و تحقیقات مقدماتی اطفال فعالیت می‌کنند، پلیس ویژه اطفال است. ضرورت تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در قانون جدید را باید در اهمیت نخستین برخورد نیروی انتظامی با اطفال و نوجوانان بزهکار دانست. برای رعایت همین مصلحت است که در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ و نیز به موجب ماده ۲۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ وظایف ضابطان دادگستری به قضات دادگاه اطفال واگذار شده است. در قانون ۱۳۷۸ کلیه اقدامات اعم از تعقیب، تحقیق و رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۵ سال تمام خورشیدی، به شرط آنکه مجازات قانونی جرم ارتكابی فقط حبس کمتر از ۳ سال و یا جرم منافی عفت باشد توسط دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که بر طبق قانون به عهده ضابطان دادگستری است، انجام می‌دهد. در غیر از موارد مذکور تعقیب و تحقیقات مقدماتی توسط دادسرا بر طبق این قانون انجام می‌شود. مطابق تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است را انجام می‌دهد یکی از ابتکارات قانون جدید آیین دادرسی کیفری، اختیارات قانونی شناخته‌شده برای سازمان‌های مردم‌نهاد در ماده ۶۶ «اقامه دلیل کردن» است. در این خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد در همه مراحل دادرسی اطفال شرکت جسته و می‌توانند برای اقامه دلایلشان و در هر مرحله از دادرسی، دخالت کنند. همچنین از دیگر اختیاراتی که قانونگذار در این ماده به سازمان‌های مردم‌نهاد داده است، «حق اعتراض» نسبت به آرای مراجع قضایی است. بنابراین با جایگاهی که قانون جدید آیین دادرسی کیفری به سازمان‌های مردم‌نهاد داده است، این سازمان‌ها می‌توانند از یک سو با «اعلام» جرم ارتكابی به مراجع قضایی، منجر به «کشف و تعقیب» جرم اعلامی شوند و از سوی دیگر با توجه به اختیاراتی که قانونگذار در زمینه روند دادرسی کیفری به این سازمان‌ها داده است، به منظور دفاع از حقوق بزه‌دیده مورد نظر، دلایل استنادی خود را به مرجع صالح ارائه کنند و همچنین در صورتی که رأی صادرشده از مرجع قضایی را عادلانه تشخیص ندهند، به آن (رأی) اعتراض کنند.

## منابع

۱. اسحاقی، محمد (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، تهران، معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضائیه، تهران، معاونت آموزش.
۲. امامی نمینی، محمود و صلاحی، جاوید (۱۳۸۹)، **دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار**، تهران، نشر میزان.
۳. انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۳)، **کشف علمی جرائم**، تهران، انتشارات سمت.
۴. آخوندی، محمود، (۱۳۶۸)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم.
۵. آخوندی، محمود (۱۳۸۰)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم.
۶. آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد پنجم، تهران، انتشارات مجد.
۷. باصری، علی اکبر (۱۳۸۷)، **سیاست جنایی قضایی کودکان و نوجوانان**، تهران، انتشارات خرسندی.
۸. حسینی چادگانی، سیده سارا (۱۳۹۲)، "سازش با متهم با تاکید بر لایحه آئین دادرسی کیفری"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان.
۹. خالقی، علی (۱۳۹۲)، **آیین دادرسی کیفری**، تهران، انتشارات شهر دانش.
۱۰. خالقی، علی (۱۳۹۳)، **نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری**، تهران، انتشارات شهردانش.
۱۱. خزانی، منوچهر (۱۳۷۷)، **فرایند کیفری**، مجموعه مقالات، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۲. خواجه نوری، یاسمن (۱۳۸۶)، "سیاست جنایی قضایی ایران در قبال کودکان بزهکار"، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۴.
۱۳. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴)، "بزه دیدگان و نظام عدالت جنایی"، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳.
۱۴. رولان، نوبر (۱۳۸۴)، متن سخنرانی درباره "انتقام جویی و تحول آن از دیدگاه انسان‌شناختی حقوقی" ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳.
۱۵. زراعت، عباس (۱۳۹۳)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، تهران، انتشارات میزان.

۱۶. زراعت، عباس (۱۳۹۳)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، تهران، نشر میزان.
۱۷. زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۲)، "حمایت از کودکان و نوجوانان و تقابل دیدگاه‌های آن"، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۹.
۱۸. زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۴)، "نوآوری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فرآوری آن"، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۷.
۱۹. زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۸)، "جهانی شدن حقوق کیفری در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه دیدگی و موانع و مقتضیات حقوق ایران"، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۰. شاملو، باقر (۱۳۹۰)، *عدالت کیفری اطفال*، تهران، نشر جنگل.
۲۱. طه، فریده و اشرفی، لیلا (۱۳۹۰)، *دادرسی عادلانه*، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
۲۲. عباچی، مریم (۱۳۸۰)، *حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد*، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
۲۳. عباچی، مریم (۱۳۸۵)، "رهنمودهای حقوق کیفری در قبال کودکان بزه دیده"، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۴-۵۲.
۲۴. عباچی، مریم (۱۳۸۶)، "اصول راهبردی راجع به کودکان بزه دیده در فرایند کیفری"، *مجله تعالی حقوق*، ویژه‌نامه همایش قضات اطفال، دادگستری خوزستان.
۲۵. عباچی، مریم (۱۳۸۸)، *جرم‌های مبتنی بر نفرت*، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، نشر میزان.
۲۶. غفوری فرد، محمد محسن (۱۳۹۲)، "دادرسی افتراقی اطفال"، *مجله ندای صادق*، شماره ۲۵.
۲۷. فرج الهی، رضا (۱۳۸۱)، "مقایسه قواعد تجدید نظر ناظر به محکومیت‌های جرائم مواد مخدر با سایر جرائم"، *مجله دادرسی*، شماره ۳۱.
۲۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، *گامی به سوی عدالت (مجموعه مقالات)*، ج ۲، چاپ اول، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲۹. مهابادی، علی اصغر (۱۳۹۳)، *آیین دادرسی کیفری کاربردی*، تهران، انتشارات دوران‌دیشان.
۳۰. مهرا، نسرین (۱۳۸۲)، "قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزه‌کار، حال و آینده"، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۲۰.

۳۱. مهرا، نسرين (۱۳۹۰)، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، تهران، نشر میزان.
۳۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۷)، مباحثی در علوم جنایی، جلد نخست، تهران، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
۳۳. نجفی توانا، علی (۱۳۸۲)، نابهنجاری بزهکاری اطفال و نوجوانان، جلد نخست، راه تربیت.
۳۴. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۳)، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، تهران، نشر میزان.
35. siegel larry, josedh y. senns, juvenile delinquency, wadsworth, 1995
36. parlington.M, Introduction ti the English Legal Sysem, Oxfird University press, 2th ed, 2003

---

**Reflection on Differential Criminal Proceedings of Juvenile Offenses in terms of  
Procedures in the Legal System of the Islamic Republic of Iran**

**Seyedahmad Asgariarjenaki**

**Abstract**

The crimes of children due to special circumstances require special justice system that utilizes institutions and special procedures, special attention to their crime. Children's justice system should be able to modify them on the one hand and on the other hand can guarantee fundamental rights to all over the investigations. The Code of Criminal Procedure 1998 given the lack of specific penalty in some cases to apply general rules to the children there. The Code of Criminal Procedure Act of 2013 special legislative procedure for preliminary investigation, trial and execution of judicial decisions relating to children and adolescents is defined. The penalties are in addition to those under 15 years of crime, investigation and prosecution duties of a judge and the family and parents in all stages of the criminal process involved with the criminal justice system work. According to the preliminary investigation of the prosecution and investigation by a judge or a request made by the investigating judge and the court of all the tasks that the law of the court is restraining the spur.

**keywords:** Procedures, Juvenile, Differential Procedure, Competency Courts, Crimes Children, Judge Court, Child